

# حقیقت

شماره ۵۰ ۲۶ آذر ۱۳۵۸

## رویدادهای ایران و مبارزه ضد امپریالیستی

در هفته گذشته بحران مهم - جانبداری ایران را فراگرفت. مهم ترین آن رویدادهای تبریز بود. از سایر نقاط ایران نیز اخبار مهمی در باره خرابکاریهای عوامل ونپرو- های وابسته به ارتجاع و امپریالیسم و مشکوک الهویه میرسد. در بلوچستان حزب مشکوک الهویه اتحاد المسلمین به دولت و شورای انقلاب اولتیماتوم یکماهه میدهد، و اعلام میدارد که در صورت عدم پذیرش خواسته هایش تا یکماه، بر علیه حکومت قیام مسلحانه خواهد کرد!؟ در فارس، ضد انقلابیون فشو - دال مانند سرخان و خسرو گلستان قشقاتی جنگ خانمان براندازی بر علیه دهقانان برآه انداخته اند. در کردستان، در مذاکرات صلح اغلال میشود، و در خیر است که ارتش چندین شهر کردستان را به محاصره در آورده است و با جرقه این جنگ طلبان ضد انقلابی امکان وقوع جنگ تعمیلی برخلاق کرده ر لحظه میرود!

همه این وقایع در متن مبارزه ضد امپریالیستی اوج گرفته است. مردم اتفاق میفتند! همه این وقایع در دورانی وقوع می یابند که همه خلقهای ایران خواهان اتحاد بر مبنای اصولی و صحیح، یعنی مبارزه برای قلع و قمع امپریالیسم و تعمیق و گسترش انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی می باشند. و بنا بر

این این وقایع در این اوضاع حساس از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و بررسی و دا شدن تحلیل درست و علمی از آنها در این موقعیت بحرانی انقلاب، و تعیین وظایف بر مبنای آن از وظایف مهم انقلابیون میباشد.

ما در شماره های پیشین "حقیقت" سعی کردیم که نشان دهیم چگونه نیروهای سیاسی و اجتماعی گوناگون سعی در اغلال و منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی کنونی، بعضا بقیه در صفحه ۲

دو دوزه بازی حزب توده

صفحه ۷

جنبش دهقانی

صفحه ۹

سخنی با نشریه پیکار خلق

صفحه ۱۴

همبستگی مردم آمریکا با خلق ایران

صفحه ۱۴

## مذاکرات صلح در کردستان مواظب اغلالگران باشید

محررو اردم مذاکرات جداگانه با رهبران حزب دموکرات کردستان، که به هیچ رو خلق کرد و آرمای آنها واقعی این خلق را نمایندگی نمیکنند، شده و سعی در کنتر آ مدن جداگانه با نمایندگان این حزب و حل مسئله کردستان به کمک این حزب داشته اند. البته رهبران این حزب، که تمام ایلات انحصارگرا نه شیدی را تا کنون بروز داده و مسئله حقوق خلق کرد را بعنوان حقوقی برای حزب خود می - پندارند، از ابتدا کوشیدند تا بطور جداگانه با هیئت حسن نیت دولت وارد مذاکرات شده و امتیازات ویژه ای برای خود بدست آورند. ولی این اقدامات غرض مندانه حزب دموکرات، که نهائی توسط حزب توده نیز حمایت و تشویق میشود، سرانجام در برابر مخالفت دفترسیاسی شیخ عزالدین ونیروهای انقلابی درگیر در جنگ مقاومت کردستان با شکست و ناکامی مواجه گشت و رهبران دور و وحریص قدرت حزب تا مبرده ناچار شدند به تشکیل یک هیئت نمایندگی مشترک زیر رهبری شیخ عزالدین حسینی، که طی تظاهرات های آذر در شهرهای کردستان مورد حمایت عمومی قرار گرفت، گردن نهند.

بنا بر این در شرایط کنونی با مردم از هیئت حسن نیت دولت بخوانند و این هیئت را وادار سازند که دیگر دست از مذاکره وساخت و پاخت نهائی با رهبران حزب دموکرات کشیده و هما نظر که خلق کرد میا است

بقیه در صفحه ۳

هیئت ویژه حسن نیت دولت برای مذاکرات صلح در کردستان بار دیگر به کردستان رفته است. تا قبل از آن، طی این چند هفته رفت و آمد های مکرر هیئت دولت، تنها دوسار نمایندگان دولت با شیخ عزالدین حسینی نماینده اعلی برگزیده خلق کرد ملاقات کرده اند و در این مذاکرات نیز هیچ طرح و پیشنهاد مشخص و قابل قبولی، حتی در حد مفا دیپلماتیک اله خمینی، برای رفع بحران کردستان و عملی ساختن حقوق و خواسته های حق مردم کردستان همراه نداشته اند. این مطلبی است که خود آقای شیخ عزالدین حسینی عنوان کرده اند. در مقابل، هیئت دولت به دفعات

## قانون اساسی و متمم آن

همه پرسی قانون اساسی قبل از هر چیز شکستی بود برای هیئت حاکمه و نویسندگان این قانون. مدافعین این قانون گرچه جداگانه استناد کرده اند از مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما در به تصویب رسانیدن این قانون بردند، لکن در همین سوء استفاده نیز در واقع به شکست خود اعتراف نمودند.

اگر به آما تعداد رأی دهندگان در این همه پرسی و همه پرسی "جمهوری اسلامی" نگاه کنیم، با احتساب تقلب در هر دو این همه پرسی ها به نتیجه قابل توجهی دست می یابیم. به ادعای هیئت حاکمه در

همه پرسی "جمهوری اسلامی" حدود ۲۲ میلیون نفر رأی دادند (بگذریم از این واقعیت که چنین تعداد رأی ندادند در بسیاری از حوزه ها پس از اتمام رأی گیری هیئت نظارت همه رأی های "آری" باقی مانده را به صندوق ریختند) یعنی رقمی حدود ۱۶ میلیون نفر از کسانی که بزرگمایا در همه پرسی

بقیه در صفحه ۳

# حقیقت

رویدادهای...

استفاده از شورفا مپریالیستی مردم برای منافع گروهی و قشری خود و با لایحه خوابانیدن این موج مبارزاتی هستند. ما گفتیم که نیروهای وابسته به ارتجاع و امپریالیسم بزرگترین ضربه را از بلند شدن این مبارزه خورده اند و با طبع این نیروها بیش از هر جریانی دیگری در اخلاقی در این مبارزه پیش قدم خواهند بود و از هر حرکتی که در جهت امیال و اهداف شومشان باشد پشتیبانی خواهند کرد. ما همچنین گفتیم که نیروهای بورژوا لیبرال و مشروع طلب حاکم، در دولت و "شورای انقلاب" سعی در انحراف این مبارزه و خوابانیدن آن به طریق ممکن دارند. در هفته گذشته با روی دادهای پیش یا دشته، و بخصوص رویدادهای تبریز، این گفته‌های ما بواقعیت پیوست. شاید بدینا شبیه این رویدادهای اشراف هر چند مختصر بنماییم:

## ۱ - رویداد تبریز: شریعت مداری و حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان چه میگویند و چه میخواهند؟

روز چهارشنبه ۱۴ آذر، توطئه ای در قم بوقوع می پیوندد، وعده ای بسوی منزل آیت اله شریعتمداری تیراندازی میکنند که منجر به کشته شدن یکی از پاسداران مستقر در سام خانه شریعتمداری میگردد. این سرآغاز واقعه تبریز بود.

آنا پس از این واقعه، آیت اله خمینی به دیدار شریعتمداری می روند و طی اطلاعیه ای این امر را توطئه ای دانسته و آن را محکوم میکنند. از طرف مراجع مختلف مذهبی و غیر مذهبی نیز اطلاعیه‌های صادر شده و در طی آنها حمله به منزل شریعتمداری محکوم میگردد. در عین حال شریعتمداری نیز که در عرض چندین ماه گذشته مترصد فرصتی برای امتیاز گرفتن و قدرت گیری بود، از این توطئه سود جست و برخی از خواسته‌های خویش را بمان می گذارد که مهم ترین آنها همان کنترل آذربایجان از طرف وی بوده است. در جلسه ای که با حضور سید احمد خمینی و تنی چند از اعضای "شورای انقلاب" در روز جمعه ۱۶ آذر شریعتمداری برگزار میشود این قول و قرار به وی داده میشود که هم مدر

صحتهای هاشمی رفسنجانی انعکاس می یابد و هم در اطلاعیه خود شریعتمداری: "... قرار شد از این بیعت امور مربوط به آذربایجان غربی و شرقی، بدون اطلاع و مشورت قبلی این جانب انجام نگیرد." (اطلاعات ۱۷ آذر) اما در تبریز، طرفداران شریعتمداری که در زیر لوای حزب جمهوری خلق مسلمان جمع گردیده اند، فرصتی از این بهتر برای شاخ و شانه کشیدن نیا فتند و دود و دوزخ بازی و توطئه‌گری را آغاز کردند، و از این طرف هم "شورای انقلاب" و اعضای آن و حزب جمهوری اسلامی به آنان پامی دادند.

شریعتمداری در ظاهر، مردم را به آرامش دعوت میکرد، ولی در عمل عوامل وی در تبریز و آذربایجان، با آنها می که "شورای انقلاب" و حزب جمهوری اسلامی بدستش میدادند، به آتش میدادند. شریعتمداری در روز پنجشنبه در اطلاعیه اش میگوید: "... بدینوسیله از عموم مردم متدین سراسر ایران میخواهم که زهرگونه راه پیمانگی و تظاهرات خودداری نموده و از جاهنده که دشمنان اسلام، از فرقت سوء استفاده کنند و الیبتسه هروقت ضروری شد خودما دستور تظاهرات را و اهیما می را خواهیم داد." (اطلاعات ۱۵ آذر) ولی در همان موقع در تبریز سید حسن با فی نما بنده شریانی (که خود نما بنده شریعتمداری است) این چنین میگوید: "با وجود اینکه راه پیمانگی و تظاهرات امروز از سوی حضرت آیت اله العظمی شریعتمداری تحریم شده است، اما مسلمانان نخواهیم توانست جلوی مردم را بگیریم، با اینکه بشدت در آرام کردن مردم سعی خواهیم کرد." و همین فتنه گران که قول "آرام کردن مردم" را میدادند با استفاده از احساسات مردم در همان روز مردم را به تسخیر رادیو و تلویزیون و دیگر مراکز دولتی در تبریز کشاندند!؟ می بینید چگونه میخواهند توطئه‌گری کنند؟

شریعتمداری هم از این حرکت حزب جمهوری خلق مسلمان پشتیبانی میکند: "... مثلا در تبریز رادیو و تلویزیون و دیگر ادارات را با مردم گرفته اند و استانداران را از شهر خارج ساخته اند و نیروی هوایی نیز اعلام همبستگی کرده است. همه مردم وحدت کلمه حقوق بیشتری میخواهند" (اطلاعات ۱۷ آذر - صحاح شریعتمداری) و بدین ترتیب بحران در تبریز با لامیکبرد، و توطئه‌گری با زارداغی می یابد!

روشن است که همه خلقهای

ایران، و همه حمتکنان ایران و منجمه خلق آذربایجان خواستار حقوقی حق خود، که بخاطر آن انقلاب کردند هستند. روشن است که همه خلقهای ایران میبایستی در راه تعمیم و گسترش انقلاب ایران قاطعانه به مبارزه خود ادامه دهند. روشن است که همه خلقهای ایران از اینک همه خواستههای بحق شان از طرف دولت سازشکار و "شورای انقلاب" در عرض ۱۰ ماه پس از قیام پشت گوش انداخته شده، سخت ناراحتند. روشن است که همه خلقهای ایران از اینکه هر حرکت مبارزاتی شان از طرف دولت و "شورای انقلاب" و رادیو تلویزیون تحت فرماندهی شان، با انواع و اقسام بربطها، "فدا انقلاب" و غیره و ذالک سرکوب شده است، سخت خشمگین هستند. ولی برآورده ساختن این خواسته‌ها، فقط از طریق تعمیم و گسترش انقلاب و بیرونی مثنی و سیاست انقلابی امکان پذیر است، و نه تحت رهبری اشخاصی چون آیت اله شریعتمداری و احزابی چون حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان! اینان تنها کاری که می کنند اینست که با استفاده از احساسات مردم، از توان توده مردم برای دعوتی که بر سر سمیه خودشان در قدرت با همبستگی های "شورا" نشین و حزب جمهوری اسلامی و... دارند، استفاده میکنند و بهیچوجه در فکر "حق حاکمیت مردم" و "خود مختاری" و... نبوده و نیستند! فقط کافی است که نگاهی به حرکات و خواسته‌های اینگونه احزاب و شخصیتها بیندازیم تا موضوع روشن شود:

دعوا و بحران از آنجا بالا گرفت که آیت اله شریعتمداری، شرکت در فرماندوم قانون اساسی را تحریم کردند. رادیو تلویزیون دروغ پرداز و تحت رهبری "شورای انقلاب" و جمهوری اسلامی، گفته‌های شریعتمداری را تحریف کرد، و بیانه‌های دیگری بنام مامدق شریعتمداری را با عکس آیت اله کاظم شریعتمداری، آشکارا برای فریب مردم آذربایجان پخش میکند. مردم از این فریبکاری آشکار سخت خشمگین میشوند و شریعتمداری و حزب وفادار "جمهوری اسلامی" می خلق مسلمان" از این دود و دوزخ بازی هم مسلمانان رقیبشان سود میجویند. پس از توطئه‌ها وضع کاملاً برای شاخ و شانه‌کشی آماده میشود.

ولی با دیدن شریعتمداری با چه چیز قانون اساسی مخالف است؟ در بیانه‌ای که ایشان صادر کرده اند، در ظاهر میگویند چنین جلوه دهند که گویا بنظر ایشان حق حاکمیت مردم با

اصولی از جمله اصل ۱۱۰ (شورای نگهبان) زیر سؤال کشیده شده است. ولی آیا واقعا شریعتمداری در فکر حق حاکمیت مردم است؟ یا بهیچوجه، بدیننیت و چگونه به مردم امر و نهی و توهین میکند: "بدینوسیله از عموم مردم متدین سراسر ایران میخواهم که زهرگونه را هیما نمی و تظاهرات خودداری نموده و اجازت ندهند که دشمنان اسلام از فرصت سوء استفاده کنند و الیبتسه هروقت ضروری شد خودما دستور تظاهرات را و اهیما می را خواهیم داد." (اطلاعات ۱۵ آذر) آیا کسی که میخواهد مردم بدستور او، بمان تندر مه‌های گوسفند، بیخیا با آنها بریزند، و بدستور او بیخانه‌ها برگردند، در فکر "حاکمیت مردم" است یا در فکر حاکمیت خود است؟ یا استفاده از زنا را بیتی توده مردم؟ آیا شریعتمداری که با راه و بارها توافق خود را با قانون اساسی گذشته اعلام داشته بود، وحشی پس از سرنگونی سلطنت، اظهار داشت که قانون اساسی قبلی خوبست فقط اگر اصل مربوط به سلطنت برداشته شود، در پی خواسته‌های مردم آذربایجان است؟ آیا شریعتمداری که در زمان جلوس شریف امامی بر تخت صدارت، به وی ۳ ماه مهلت داده بود (که مردم ندانند و را بکناری برتاب کردند) واقعا در پی خواسته‌های مردم است؟ بهیچوجه چنین نبوده و نیست. ایشان امروز فقط در پی سهم خود در قدرت است و فعلا از جایکه بیشتر از هر جای دیگر با نفوذ دارد، یعنی آذربایجان حرکت را آغاز کرده است و بخاطر همین با شور و شغف میگوید: "... قرار شد از این پس، بعد از امور مربوط به آذربایجان غربی و شرقی، بدون اطلاع و مشورت قبلی این جانب انجام نگیرد." می بینید چگونه سخن میگوید، امور مربوط به آذربایجان با دیدار اطلاع و مشورت قبلی شریعتمداری انجام شود، و نه با اطلاع و تصمیم‌ورای و نظر مردم آذربایجان. ایشان در پی سهم خود در قدرتند و نه در فکر مردم! شریعتمداری با دیدن حاکمیت مردم که خود را پیرو "خط شریعتمداری" می داند، و چند نیست که خیلی سنگ آزادی و دمکراسی و مبارزه با انحصار طلبی را به سینه می زند، نیز بهیچوجه در فکر مردم نبوده و نیست. فقط کافی است که به لیست احزابی که از این حزب و حرکت توطئه‌گرانه اش حمایت کرده اند، و آنها نیز با آب و تاب از این حمایتها یاد کرده اند، نگاه کنید. بقیه در صفحه ۴

مذاکرات ...

با هیئت نمایندگان موردمها بیتشان، که زیر رهبری شیخ عزالدین میباشند، وارد مذاکره و گفتگو شوند. بعلاوه مردمها بیدرباره تعلیل و مسامحه‌کاری هیئت اعزامی دولت در قبول و برآوردن خواسته‌های دموکراتیک مردم کردستان، که اکنون هفته‌هاست با وجود تهدیداتش بس از جانب پیشمرگه‌ها و سازمان‌های مسلح کردستان توسط هیئت نامبرده پشت گوش انداخته میشود، سؤال کنند. مصالح عمومی کشور در این برهه و شرایط زمانی و بویژه مقتضیات نبرد متحدانه مردم علیه امپریالیسم آمریکا حکم میکند که هر چه زودتر و سرب یغتر مذاکرات صلح در کردستان بر اساس تحقق خواسته‌های دموکراتیک خلق کردیه نتیجه برسد و توجه عمومی ملت به مسائل عاجل نبردهمگانی خلقهای ایران با آمریکا یجنایت کار معطوف گردد.

روشن است شکست سیاست جنگ افروزی و زورگویی در کردستان و بویژه واگیری نبرداستقلال طلبانه مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا و عطف توجه عموم مردم به کشف و نابودی ایادی و جاسوسان آمریکا و بسرب افکندن بندهای اسارت و وابستگی کشور به بر قدرتها و سرمایه‌داری خونخوار بین‌المللی، خوشایند بسیاری از گروهها و محافل که به بورژوازی بزرگ و وابسته و ملاکان بزرگ، این پایگاههای اجتماعی امپریالیسم در کشور ما، وابسته اند نمیشد. در این میان فرماندهان نیروهای سهگانه ارتش، که همگی پرونده‌های سیاسی از دوران "طاغوت" دارند و دست پروردگان و بهره‌جویان رژیم مخلوع دست نشانده آمریکا بوده اند و اکنون تنها رنگ با پیشرفت واقعی مذاکرات صلح و تحقق خواسته‌های خلق کردیه در نتیجه تحکیم وحدت خلقهای ایران در برابر استعمار بین‌المللی و امپریالیسم در باطن موافق نمیشدند. اعلامیه‌های تحریک آمیز فرماندهان لشکرهای ارتش در کردستان، نقل انتقالات تحریک آمیز قوای نظامی در میاباد و برخی شهرهای دیگر و وجود شایعات داخلی مبنی بر محاصره و حمله دستجا

کلاه سبز و چتر با زارتنی در سندانج، همه از ناخرسندی و روش فتنه‌جویانه سران ارتش در قبال مسئله کردستان حکایت میکند. این یک واقعیت است که ارتش پاکسازی نشده و دست نخورده کنونی با فرماندهان بد سابقه و آمریکایی مسلکی که در رأس خود میدارد از هیچ عمل خائفا نه‌ای برای برافروختن جنگ‌های ناخواسته و تحمیلی و یا جنگ برادرکشی در نقاط مختلف کشور باقی نداشته و چنانکه وقایع توطئه‌آلود تبریز نیز نشان دادگاه حتی در لباس دفاع از حقوق مردم مستمیده نیز دست بکار شده و میکوشد تا آتش جنگی انحرافی را شعله‌ور سازد. در کردستان این اعمال خبیثانه را در صف دولتیان انجام داده‌اند و حال همین اعمال را در صف مقابل دولتیان آنچه هدف ارتش دست نخورده و بد سابقه شاکرها، ظهیرنژادها، فریده‌ها، مدنی‌ها و گروه‌بندیهای دیگر را تشکیل میدهد تنها یک چیز است و آنهم تدارک و آماده‌سازی شرايطی درجا معه‌کمه مبارزه متحدانه ملت را با دشمنان اصلیش دچا روقفه شده و انجام یک کودتای ارتجاعی و امپریالیستی میسر گردد. از اینرو در جریان پیشرفت مذاکرات صلح در کردستان بویژه با بد توجه ملت معطوف به اعمال و حرکات این ارتش و گروههای همدستان با شد و مردم جدا با بدبخواهند تکلیف این نیزوی بازمانده از دوران "طاغوت" و فرماندهان آن برای یکبار و همیشه روشن گردد.

نکته دیگر اینکه اکنون که شرایط صلح و مسالمت در کردستان نسبتا فراهم شده و شهرهای کردستان عملا بدست پیشمرگه‌ها و گروههای درگیر در جنگ مقاومت اداره میشود، دستجات معینی که به پیچ وجه در جنگ مقاومت شرکت نداشته و به خلق کرد و آرمانهای آن هیچ بستگی و پیوندی ندارند نشانگان سر و کله‌اشان پیدا شده است و برای خود دم دستگای نیز پدید می‌آورند و خود را مسلح میکنند. روشن است رژیم خونخوار صدام حسین در عراق، که از تا ثیرات انقلاب ایران و جنبش حق طلبانه خلق کرد و ایران بروی خلقهای عرب و کرد عراق و آهنگ دارد، عوامل خود را برای نفوذ و رخنه در صف مبارزان واقعی، ایجاد گروههای ساختگی و احیاناً تحریک جنگ و ستیز مصنوعی برای اخلال در روند مذاکرات صلح میفرستد و چه بسا محافل در درون ارتش مشکوک الحزبه‌ها را نیز با این جریان‌ها همدستی داشته باشند. اینست که

قانون ...

اول شرکت جستند، در این رفتارندم خودداری کردند. به این رقم بایست تعداد دکثیری را افزود که به وعده "متمم" یا "اعتقاد به امام" و یا "حفظ وحدت فدا مپریالیستی" در این رفتارندم شرکت کرده به این قانون رای مثبت دادند. اکثریت قاطع گروهها و دستجات سیاسی شرکت کننده در این رفتارندم به قانون اساسی رای مشروط دادند و هر یک بنا بر جایگاه و منافع طبقاتی انتقاداتی به این قانون وارد آورد. بیک کلام این قانون نه تنها منافع توده‌های مردم و بویژه زحمتکشان را برآورد نمیکنند و نگردانده است، بلکه حتی نتوانسته در صفوف همپیمانان گذشته و حال نیز وحدت بوجود آورد. افتخار این قانون آنقدر بالا گرفت که حتی آدم‌کلاشی چون بهشتی نیز خود را قاطی منقدین این قانون نمود.

قانون اساسی مجلس خبرگان حتی نتوانست محافل حاکمه و نزدیک به یکدیگر را متحد کند، زیرا از دریچه منافع سیاسی یک لایه کوچک روحانیون قشری شیعه نوشته شده بود و از این روسا بر محافل مذهبی و خرده بورژوازی سنتی (گرچه این خرده بورژوازی ولایت خمینی را میپذیرد ولی با اصل ولایت فقیه روی خوش نشان نمیدهد) و بورژوازی ملی و لیبرال را آزرده خاطر ساخت. اصل ولایت فقیه، حکومت را به انحصار یک جناح از روحانیون شیعه در آورده، بورژوازی ملی را از پارلمانتاریسم با میلش محروم میسازد و از اینروسا بجز جناحهای روحانیون با بورژوازی ملی و لیبرال در مخالفت با این اصل همداستان نمی‌شوند. رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه، روحانیون سنی مذهب را به مخالفت واداشته و شکاف موجود در منافع ایندو را آشکار میسازد. گرچه این نیروها برخلاف زحمتکشان و نیروهای انقلابی با مضمون و محتوای حکومت "جمهوری اسلامی" مخالفتی ندارند، لکن چگونگی تقسیم قدرت سیاسی در این حکومت و به انحصار درآوردن این قدرت در دست یک جناح خاص از روحانیون و رسمیت بخشیدن به این انحصار، آنها را از

ما جدا به خلق کرد و نیروهای انقلابی آن هشدار میدهم که مواظب اعمال و رفتار این نوع گروههای مشکوک و مجهول الهویه در کردستان باشند و آنها را از میان خود برانند و احراز به تجهیز و تسلیح آنها ندهند.

سهمی سیاسی شان محروم کرده و در نتیجه به مخالفت واداشته است. در نتیجه گرچه مخالفت با این قانون از زوایا و انگیزه‌های گوناگونی صورت گرفت، لکن همین حقیقت که این قانون هم از بیرون (نیروهای انقلابی و زحمتکشان) و هم از درون (سایر محافل روحانی، بورژوازی و خرده بورژوازی همپیمان هیئت حاکمه) مورد حمله قرار گرفت، نشان دهنده درجه ضعف و شکنندگی این قانون و مشکلاتی است که مدافعین آن در پیاده کردن این قانون در برابر خود دارند. بحران سیاسی هر هیئت حاکمه‌ای زمانی به درجات بالایی خود میرسد که علاوه بر مخالفت نیروهای انقلابی و خارج از آن، با مخالفت نیروهای درونی اش نیز مواجه شود. رفتارندم قانون اساسی وصف بندگی نیروهای مختلف طبقاتی نشان دهنده این بحران و ورشکستگی هیئت حاکمه میباشند و حقیقتا اگر به ضرب سوء استفاده از جوضدا مپریالیستی حاکم نبود، این ورشکستگی در سطوح به مراتب بالاتری خود را نشان میداد.

قوانین بدون نیروهای اجتماعی مدافع آنها بی ارزشند. بنیاده شدن قانون بمصوبه مجلس خبرگان محتاج حاکمیت آن نیروها نیست که پیشینیان اصلی تدوین آن میباشند. هر نیروی دیگری جز اینها به قدرت برسد و هر تغییری در توازن قوای طبقاتی جامعه، تا ثیر مستقیمی در چگونگی به اجرا درآمدن این قانون خواهد داشت. قانونی که به منظور تحکیم قدرت مشروع و چنان سرسخت نوشته شده است، بدون قدرت داشتن همین نیروها بنیاده شدنی نیست، زیرا قوانین تعیین کننده قدرت سیاسی نبودند و بلکه توجیه کننده میباشند و بر حسب آنکه چه نیروهای در رأس هرم قدرت سیاسی نشسته اند و چه توازن قوای میان نیروهای شرکت کننده در قدرت سیاسی موجود است، این قوانین تفاسیر گوناگونی میباشند. در نتیجه عرصه اصلی و تعیین کننده مبارزه، میدان نبرد طبقاتی بوده و تغییر و تبدیلات این قانون نیز تابعی از این نبردها و توازن قدرت طبقات و اوضاع مختلف خواهد بود. هیئت حاکمه امروز زبر فشار

توده‌ها و همچنین مخالفتهای درونی، ظاهرا به افاض شدن یک "متمم" تن داده است، لکن اینک "متمم" نوشته شده است، و یا در صورت نوشته شدن چه مسائلی را در برداشته و بقیه در صفحه ۵

# حقیقت

رویدادهای...

بیاندا زیم: حزب بان ایرا نیست (حزب پرشکپورفا شیت و سرسپرده دربار پهلوی)، اتحاد برای آزادی (طرفداران بنی احمد)، گروه سیاسی بشارت، حزب جمهوریخواه، نهفست رادیکال، جامعه آزادگاه ایران (مرکب از سه حزب جمهوریخواه، آزادگان و گروه سیاسی رهروان) و... که همگی از احزاب مشکوک الهویه و بیسای کا ملا "بختیارست" و آمریکائیی می باشند. آیا این احزاب در پی "خودمختاری" برای مردم آذربایجان می باشند؟ آیا اینان بسوئی از دمکراسی و آزادی برده اند؟ حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان که به خاطر امیال و آرزوهای خود برای شرکت در قدرت، آنکارا دست اتحاد بسوی این احزاب و دستجات مشکوک الهویه و بیسای کا ملا وابسته به ارتجاع و امپریالیسم دراز میکند، آیا در پی منافع اساسی و بحق خلق آذربایجان است؟ بهیچوجه این چنین نیست! اینان میخواهند از خواسته ها، امیال و آرزوهای بحق خلق آذربایجان سود جسته و خود به قدرت برسند، وزمانیکه بقدرت رسیدند از همه باند ها و دستجات "انحصار طلب تر" و ضد آزادی تر خواهند بود، و در این راه روی هم مسلکان خود در "شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی" را سفید خواهند کرد.

خلق آذربایجان نباید اجازه دهد که بنا بر افتخار آنها، توطئه چینی شود! خلق غیور و مبارز آذربایجان که پیشینه پیشگامی در انقلاب مشروطه ایران و ستن قهرمانان بر افتخاری چون ستارخان و باقرخان و شیخ محمد خیابانی را بدوش میکشد نباید اجازه دهد عده ای نام و مبارزات آنها را با نام کسان معلوم الحالی چون پزشک پورویینی احمد، بیآلایند!

۲ - فقط امپریالیست ها و عوامل آنها از اینگونه توطئه ها بهره میگیرند!

امپریالیست ها و عوامل آنها از انقلابی که در ایران روی داده و در حال گسترش است سخت در غدا بند. امپریالیسم آمریکا که سخت ترین ضربه را از انقلاب خورده است، در پی توطئه چینی و خفه ساختن انقلاب می باشد. اینان از نقطه نظر استراتژیک

در منطقه ضربه سختی خورده اند و بیم آن دارند که دامنه انقلاب ایران بسه کشورهای دیگر منطقه نیز سرریز کند، و هندوچین دیگری، و البته در مقیاسی وسیعتر گریبانگیر آنها گردد. بخصوص پس از بلند شدن موج مبارزات ضد امپریالیستی که لبه تیز آن مستقیما متوجه امپریالیسم آمریکا است، و حتی در اوآن آن موجها پیش برخی از کشورهای منطقه را در بر گرفت، آنها را سخت بهراس افکنده است. هم چنین امپریالیسم آمریکا بسیاری از منافع مستقیم خود را در ایران نیز در خطر می بیند، سرمایه گذاران آمریکائی حد اقل فعلا دیگر هیچگونه ضمانت و اطمینانی در سرمایه گذاری در ایران ندارند، پایگاهها و ارکان قدرتش در ایران ضربه خورده و با او جکیزی و تعمیق مبارزه این ضربات کاری تر و درد آورتری کردند. بنا بر این امپریالیسم در پی آنست که هر چه زود تر اوضاع را در ایران بیرونی قرارداد خود را آورد و انقلاب را سرکوب سازد. سیاست امپریالیسم آمریکا، آنگونه که تا ریخ و تجربیات مبارزاتی خلقها ثابت کرده است، هیچ چیز جز آماده ساختن شرایط و ببالا بردن انجام یک کودتا نیست.

یکی از تاکتیکهای امپریالیسم برای آماده ساختن شرایط برای انجام یک کودتای ضد انقلابی، همانا ایجاد آشوبهای داخلی، دامن زدن به تفرقه های فرعی در درون جامعه، ایجاد صف بندیهای غیر واقعی و در مقابل یکدیگر قرار دادن مردم، نفوذ عوامل و دستجات وابسته به خود در این دعواها با ماسکهای "آزادیخواهی" و "دمکراسی طلبی" و... و بیک کلام ایجاد یک اوضاع و احوال پر آشوب و غیر قابل کنترل! آنگاه با تکیه کردن نیروهای اجتماعی خلقی و تضعیف آنها، نیروهای خود را وارد میدان کرده، و ارتش در زیر پرچم همیشه "مقدس" بورژوازی یعنی حفظ "نظم و آرامش" به کودتا گری دست خواهد زد، و همه دستاورد های انقلاب را بزیربا له خواهد کرد!

کافی است به وقایع هفته گذشته و شور و شعف امپریالیستهای نظری نیفکنید: در همان حال که مبارزه ضد امپریالیستی مردم اوج میگیرد، و همراه با آن شرایط و پایه های وحدت اصولی و صحیحی بین طبقات و اقشار خلقی فراهم میگردد، ناگهان در بلوچستان، حزب اتحاد المسلمین اولتیماتوم یکماهه وعده "قیام مسلحانه" میدهد. تا سرخان و خسروخان قشقای در فارس بیجان دهقانان

ستم دیده می افتند. در کردستان، سران معلوم الحال و آمریکائی ارتش در پی توطئه چینی میفتند و گروههای مشکوک الهویه ای مانند قسارچ از زمین میرویند، و بزرگترین آن در تبریز اتفاق می افتد.

شریعتمداری و حزبش سر به شورش بر میدارند. و بدنبال آن احزاب مرتجع و معلوم الحال بروی این آتش نفت می پاشند. همه سران نیروهای مسلح که تا چندی پیش با آیت الله خمینی "بیعت" کرده بودند، به پشتیبانی از شریعتمداری بلند می شوند، "بدنبال اشغال مرکز رادیو و تلویزیون تبریز، پرسنل نیروی زمینی، شهریانی، ژاندارمری، نیروی هوایی، خلبانان جانباز تبریز و... پشتیبانی خود را از این اقدام منزل کردند و تنفر خود را از حمله به منزل آیت الله العظمی شریعتمداری اعلام داشتند" (اطلاعات ۱۷ آذر) و "بعید از ظهور دیروز، اعلامیه ای با مضای سرب هنگ نظری معاون ژاندارمری تبریز صادر شد که ضمن آن اعلام شده است پرسنل ژاندارمری آذربایجان اعلام مجدد پشتیبانی از آیت الله شریعتمداری و مداری و... الخ" (اطلاعات ۸ آذر)

بدین ترتیب عوامل سیاسی و نظامی امپریالیسم که شرایط را برای توطئه چینی و کودتا گری آماده میبندند پشت سر شریعتمداری و این حرکت صف میکشند.

همه این نیروهای پلیس و شیطانی، از سران مرتجع ارتش تا احزاب وابسته و مرتجعی چون پان ایرانیستها و اتحاد برای آزادی و... فرستی می یابند تا نفس تازه کنند، فرستی می یابند تا ملت را از مبارزه ضد امپریالیستی منحرف کنند، و فرستی می یابند تا شرایط را بسوی صتی می یابند تا شرایط را بسوی کودتا آماده سازند، با سرخوردن بدرون این جریان پرتاب می کنند، ارتش که تا دیروز در "بیعت" با آیت الله خمینی "اسلام" آورده بود، امروز بسیر پرچم "شریعتمداری" سینه میزند، و هر دو برای اینکه برای اربابان آمریکا خود زمینه استقرار مجدد قیود بندگی و بردگی ملت را فراهم سازد.

آمریکا سخت در مدد توطئه چینی است. میخواهد در هر گوشه از این مملکت آتشی بپا کند و آتش بیارهای معرکه اش سخت در تلاشند، آنها شای که به امپریالیسم آمریکا زمینه بسبب آتش افروزی را میدهند، آنها شای که پایگاههای امپریالیسم آمریکا را در این کشور، دست نخورده باقی گذاشته اند و با معاشات و سازش آنها را حفظ

کرده اند، بدترین و خطرناکترین نیروها بحال انقلاب میباشند!

## ۳ - "شورای انقلاب" و "بورژوازی لیبرالها چگونه به توطئه چینی پا میدهند؟

اما نباید تصور کرد که شریعتمداری و حزبش، بدون زمینه دست بسبب این خرابکارها زده اند، و عوام مسل امپریالیسم و ارتجاع نیز از آن سود جسته اند، خیر بهیچوجه! هم مسلکان شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان، یعنی بورژوازی لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی (که اتفاقا افراد مشکوک در میان آنها نیز یافت می شوند!!) بخوبی زمینه ها را آماده کرده اند، با بقول معروف پاس داده اند و آنها هم آتش را کوبیده اند!!

بورژوازی لیبرالها و اودا زودسته حاکم در حزب جمهوری اسلامی که خود از نیروهای هستند که خود را انحراف این مبارزه ضد امپریالیستی میگویند، که ما آنها با امپریالیسم و ارتجاع سازش و مماشات کرده اند، که خود از تطهیر کنندگان ارتش امپریالیستی بوده و هستند، در عین حال خود از مسبین بوجود آمدن رویدادهای تبریز و فارس و بلوچستان و... میباشند. مگر چه کسانی بجز اینها بودند و هستند که فاشودا آنها و خوانین بلوچستان را مسلح ساختند، مگر چه کسانی بوده و هستند که در مقابل دهقانان فارس، بکشتک فاشودالها و روسای ایلات و عشایر شتافتند، مگر چه کسانی بوده و هستند که هر روز به تطهیر و دلگرمی بخشیدن به سران آمریکائی ارتش مشغولند، بجز مثال آقای بازگان و بهشتی و هاشمی رفسنجانی و چمران و... مگر چه کسانی به لطف الحیل ناگسون از زیر بار خواسته های ضد امپریالیستی ملت شانه خالی کرده است و سعی دارد آن را به انحراف بکشد؟ مگر چه کسانی در موقعی که مبارزه ضد امپریالیستی مردم اوج گرفته است، یک قانون اساسی ارتجاعی را بنام مردم حقه می کنند؟ مگر این کسان بنیبراز نیروهای حاکم در "شورای انقلاب" و دولت بوده اند؟ حزب جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان و بورژوازی لیبرالها و شریعتمداری، در سبب کردن راه انقلاب و ببالا بردن مبارزه از سیاستی و اخذ خود را زنده در رده حاکم در حزب جمهوری اسلامی و "شورای انقلاب" و هم - پیمانان بورژوازی لیبرالان زمین را برای آشوب و بلوا در تبریز بستند شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان آماده کردند. اینان که در پی بقیه در صفحه ۵

# حقیقت

قانون ...

ابعد آن چگونه خواهد بود، بستگی تا مبه موقعیت سیاسی هیئت حاکمه، موقعیت وصف بندی طبقاتی موجود و بویژه جایگاه نیروهای انقلابی دارد. رفرم معمول فرعی مبارزه طبقاتی است. هیئت حاکمه به فرم تن در میدهد تا خود را از شر انقلاب برهانند. اولین تا شیربلا گرفتن مبارزه طبقاتی، در درون هیئت حاکمه بصورت تعمیق شکافهای موجود درونی و ایجاد شکافهای جدید متبلور میشود و اولین عکس العمل هیئت حاکمه نیز ترمیم این شکافها و بوجود آوردن یک هیئت حاکمه متحد در برابر نیروهای انقلابی میباشد. در نتیجه "متمم" که فرمی در این قانون سر تا پا از جناحی میباشد، در شرایط کنونی و با توجه به موقعیت و توازن نیروهای طبقاتی، اولین هدفش تأمین وحدت درونی هیئت حاکمه و محافظت و بسته شدن میباشد. از این رو این فعال گویان فقط در برابر این قبیل "انتقادات" باز است و کاری به مخالفتی یا بیسای و اناسی نیروهای انقلابی ندارند. اینان وقتی از برهم خوردن وحدت حاکمه مردم صحبت میکنند، منظورشان برهم خوردن وحدت خودشان است و وقتی هم از حفظ این وحدت و بیسای تا مین مجدداً دم میزنند، منظورشان تأمین وحدت درونی خودشان است. محافظ حاکم در هیئت حاکمه نقلاً قول "متمم" و پاره ای تغییرات را داده اند. اینکه این محافظ به مخالفین هم پیمان نشان چه امتیازاتی بدهند و با اعلان دهند، باز هم بستگی به مبارزه طبقاتی جاری در جامعه دارد. این مبارزه چنانچه افت کند و این محافظ چنانچه تعبیت خود را تثبیت یافته ببینند، هیچ امتیازی به هیچکس نخواهند داد، لکن اگر موقعیتشان پیش از این هم تضعیف شده و به خاطر افتد، به دادن پاره ای امتیازات راضی خواهند شد. اینها همه در گوردا منتهی عمق مبارزه طبقاتی است. طبقه کارگر در مبارزه برای رادی و استقلال و دموکراسی، در مبارزه برای به سرانجام رسانیدن

رویدادهای ...

تثبیت قدرت خود هستند، میخواهند دست رقیب را کوتاه سازند. تا کنیک های کشیفی چون بخش اطلاعات جعلی و دروغین از رادیو و تلویزیون در مورد رده و تمداری در مورد قانون اساسی، اظهارات سنگین و شرم آور با زرگان در "پيام" اش به مردم آذربایجان و منتسب کردن خلق آذربایجان به عده ای که از خارج برای توطئه چینی آمده اند (که انسان را به بدبختی و هلاک و مرگ می بیند) می خیزد مردم تبریز در بهمن ۵۶ می اندازد، گلوله به باران کردن نظرات مردم در تبریز و... همه اینها از جانب اینان صورت گرفت و زمینه را برای تاخت و تاز شریعتمداری و حزب خلق مسلمان و بهره گیری عوام ارتجاع و امپریالیسم آما ده ساخت.

انقلاب دموکراتیک و فدا مبریا لیستی نایم کنونی، در مبارزه برای کسب حقوق خود و همه اقشار و طبقات مترقی به هیچ رو نباید بهره فرمای و امتیازات و متمم های هیئت حاکمه چشم میدود و از آنها انتظارهای خود و خلقها را داشته باشد. طبقه کارگر در این مبارزه باید به وحدت انقلابی خود تکیه کرده، دهقانان را با خود هم پیمان سازد و سایر اقشار مترقی جامعه را نیز به این مبارزه بگشاند. لکن جامعه یک مسیر مستقیم را طی نمیکند و طبقه کارگر باید بتواند همه امکانات، همه پیچ و خمها و همه حوادث را بسود خود و انقلاب به کار گیرد. طبقه کارگر باید از همه عرصه های مبارزه چه اصلی و چه فرعی استفاده کند، و اگر چه عرصه کشاکش بر سر متمم قانون اساسی را عرصه اصلی مبارزه خود نمیداند و به آن نیز به هیچ رو چشم امید ندوخته، لکن با یاد از این عرصه نیز بسود انقلاب و انشاء و طرفدایان انقلاب و جریانات سازشکار و معاشات جنوو غیبتکار را ستفاده و بردونگذارده که این عرصه به جدال خانوادگی محافظان حاکمه خلاصه شده، توجه مردم صرفاً به خواسته های این پان جناح جلب شود. طبقه کارگر باید به مردم مستقل خواهان خود و همه زحمتکشان و مردم ستمدیده و آزادیخواه را برافرازد و نشان دهد که این قانون اساسی بر علیه انقلاب و منافع مردم بوده و بررسی مجدد آن تنها در اختیار یک مجلس مؤسسان واقعی میباشد و چنین مجلسی است که این قانون را پاره کرده به زیاده ان خواهی و خردی و یک قانون اساسی انقلابی تدوین خواهد کرد.

این نیروهای در قدرت با زهم بهما نندسابی، کوشش میکنند که اذهان مردم را مشوب سازند و کثافت کاریها و خرابکاریهای خود را در مبارزه در زیر حمله به نیروهای انقلابی و صدیق، و بخصوص نیروهای چپ ببوشانند. با زرگان خاشاکانه در "پيام" اش کمونیستها را مسبب حوادث تبریز مینامد. نیروهای دیگری در این دام بورژوا لیبرالها و مشروع طلبان غافلگیر شده و این آنها مات بی پایه و اساس و فدا انقلابی را تکرار میکنند. ولی مساله در تبریز، نقش شریعتمداری و حزب خلق مسلمان و خرابکاریهای "شورای انقلاب" و بورژوا لیبرالها آنقدر واضح و روشن است، مواضع و اعمال کمونیستها نیز در قبال این رویدادها آنقدر آشکار، که دیگر این یاوه گوئیها اثر خود را از دست داده اند.



مردم ایران و خلق آذربایجان با ید هشیا ربا شد! توطئه های شومی از طرف امپریالیستها طرح ریزی شده و مترصد بیا ده کردن آنها هستند. مردم میبایستی همه این توطئه ها را یک به یک خنثی کرده و در دام های فریبکارانه ای که عوامل و ایادی امپریالیسم پهن میکنند گرفتار نشوند. مردم میبایستی بر خواسته های اساسی خود، و در این دوران بخصوص در مبارزه فدا مبریا لیستی، با فشاری کنند. جدا در آماج خود از جوانب نظامی، سیاسی برای مقابله با تعریکات و تهاجمات و کودتاهای امپریالیستی بکشند. مردم فوراً و جدا جدا استینها را با لازمه و در خلع سلاح و خنثی کردن توطئه های نیروهای مشکوک چون اتحاد املسلین در بلوچستان و سران ایل قشقاکی در فارس پیشقدم باشند. مردم نمیبایستی هیچگونه اعتمادی به سران مرتجع ارتش بنمایند که اینان مترصد فرصت برای زدن ضربه به انقلاب می باشند، فقط کافی است که به حرکت سران نیروهای ارتش و شهربانسی و ژاندارمری در تبریز نظری بیاندازند. زندگان دریا بند که اینان چگونه در پی آشوب و بلوا و سودجویی از شرابط برای خفه کردن انقلاب هستند، مردم جدا بایستی با هوشیاری کامل، نیروهای سیاسی را محک بزنند و متوجه باشند که نیروها را با یاد از ما هیت و تا ریخچه زندگی سیاسی شان با زنا ساند، و فریب ما سگهای مردم گول زن "دمکراسی" و "مبارزه با امپریالیسم" و "انقلاب اسلامی" و... را نخورند! آن دسته نیروهای که سا

دفا نه در پی مبارزه با امپریالیسم هستند، بهتر است از رویداد تبریز درس بگیرند، و به بینند که تطهیر ارتش بمعنای مادر آستین پروردن است! بهتر است از رویداد تبریز درس بگیرند و ببینند که چگونه معاشات و تعلل در مقابل بورژوا لیبرالها و نیروهای چپ حزب جمهوری اسلامی و... باعث بروز جامعه و زمینه چینی برای توطئه گری امپریالیستها فراهم میآورد. بهتر است از رویداد تبریز و سرتوتوطئه های با لقه و در گوشه و کنار مملکت درس بگیرند و ببینند که چگونه عوامل و ایادی امپریالیسم و ارتجاع مترصد فرصت برای برپا کردن آشوب و بلوا هستند و خود به آنها پاندهند! بهتر است هر چه زودتر، عوامل شناخته شده ساواک و امپریالیسم در نظامی شئون مملکت و بخصوص در ارتش به مردم شناخته شوند و تصفیه حساب انقلابی با آنان به عمل آید! این نیروها و همه با ید از رویداد تبریز و سرتوتوطئه های که امپریالیسم در آستین دارد بیاموزند، و بی جهت و بی اساس به نیروهای انقلابی نتازند! و گرنه امپریالیسم آن چنان آتشی بپا خواهد کرد که همه را در آن خواهد سوختاند! نیروهای جنبش کمونیستی ما و نیروهای انقلابی در این برهه حساس از زمان بیشتر از هر زمان دیگری میبایستی وظیفه های سنگین خود را مصممانه به دوش بکشند. مبارزه هر لحظه پیچیده تر و حساس تر میگردد. توطئه های ارتجاع و امپریالیسم آشکار میشوند، نیروهای جنبش کمونیستی و انقلابی وظیفه مندند که در این دوران حساس صفوف خود را متحد سازند و لیه تیز حمله را بروی امپریالیسم آمریکا متمرکز کنند، مردم را با اهداف و راههای صحیح و اصولی این مبارزه آشنا سازند و آنان را برای این مبارزه پیچیده آماده و مجهز و مسلح گردانند، نیروهای سازشکار، لیبرال و مشروعچی را منفرد کرده و نفوذ آنها را در توده زائل سازند، و همه نیروهای خلقی و مردم در مبارزه برای تعمیق و گسترش انقلاب فدا مبریا لیستی و دموکراتیک را متحد سازند! دوران حساسی در روستا انقلاب آغاز گردیده است! وظیفه سنگینی بردوش نیروهای انقلابی سنگینی میکند، فقط با وحدت مستحکم و سیاست صحیح و اصولی داشتن میتوان از عهده این وظایف سنگین برآمد! نه تنها چشم همه مردم ایران، بلکه چشم همه خلقهای منطقه و جهان نگران انقلاب ایران است.

## مرگ پر آمریکا و نوکرائش

خلقهای مبارز و قهرمان ایران، مبارزه ضد آمریکا که با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در راه پایان بخشیدن به استیلای نفرت انگیزا مبریا - لیسم آمریکا قدمهایی بجلو برداشته و این مبارزه در جریان پیشرفت خود به مرحله حساسی وارد گردیده است. هر روز تا دهه خلعهای ایران علیه مبریا لیسم مستحکمتر میگردد و دشمن شما رهیک ما بیشتر متفرد میشود. به ناچار این نیروی امپریالیستی برای حفظ سلطه و منافع ضد بشری خود به توطئه چینی ها و زورگوئی متوسل میگردد. در مقابل این زورگوئی ها و توطئه چینی ها نیز، مردم مبارز و قهرمان ایران خود را برای یک تصفیه حساب همیشگی با امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی اش آماده مینماید.

امپریالیسم توسری خورده آمریکا باعث میکوشد تا خلغهای مبارا مرعوب زور و قلدری خود نماید. امپریالیسم بحران زده آمریکا میخواهد از طریق محاصره اقتصادی توان مبارزاتی را از خلغهای ما سلب نموده و با وارد کردن فشار سیاسی از جانب خود و دیگر نیروهای امپریالیستی ما را از ادامه دادن به این مبارزه سرنوشت ساز با زدارد. اما مهمترا ز همه اینکته امپریالیستهای خونخوار آمریکا سعی می نمایند تا بوسیله ایادی و جنا - سوسان داخلی شان در ابتدا به شکلهای گوناگون وحدت صفوف خلغ را از هم بپاشند و آنگاه تجربه تلخ کودتای ۲۸ مرداد و کودتای نفرت انگیز اندونزی و شبلی را دوباره در میهن ما تکرار نمایند.

ما "تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان" همزمان با پشتیبانی کامل و قاطع خود از این مبارزه ضد امپریالیستی، به همه نیروهای مبارز و انقلابی بی همدار میدهیم که بزرگترین خطری که جنبش ضد امپریالیستی ما را تهدید مینماید از جانب نیروهای وابسته درون ارتش، فاشو دها و شیوخ وابسته و سرما به داران وابسته سازمان داده میشود. در کردستان در این اواخر صبا شاد تشدید قتل و کشتن نیروهای مرتجع و هواداران امپریالیسم بوده و هستیم. در زمانی که پالیزبانها، قبا ده موقتی ها، جاف ها، شیخ گزگک ها و ساوا - کی های مزدور فعالیت های خرابکارانه خود را تشدید نموده و در صدد آن هستند که به طریقی در صفوف خلغ تفرقه انداخته و آتش جنگ نا خواسته را شعله ور بسازند، این وظیفه همه مردم و همه تشکیلاتهای واقعا انقلابی است که با افشاکری سیاسی و ایجاب آماجگی لازم، مانع فعالیت خرابکارانه این نیروهای مزدور و بیگانه گردند.

هیأت حاکمه و شورای انقلاب نیز لازم است برای قدرت یابی هر چه بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی دموکراسی را در جا معه گسترش و تعمیق بخشیده و به خواستهای هیأت نمایندگی خلغ کرد تحت ریاست شیخ عزالدین حسینی پاسخ مثبت دهد. ما به همراه سایر انقلابیون و توده های مبارز میهن خود، برای از میان برداشتن هرگونه زمینه توطئه چینی و تحریک و خرابکاری امپریالیسم آمریکا، لازم میدانیم خواستهای زیر فوراً تحقق یابند:

۱ - تمامی وابستگیهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی به امپریا - لیسم زمین برداشته شود و کلیه قراردادها، معاهدات و مقاوله نامه های میان رژیم سابق و دولت موقت و امپریالیسم آمریکا لغا شده و مفاد آنها برای اطلاع مردم ایران فاش گردد.

۲ - تمام سرمایه های امپریالیستی بویژه آمریکا ملی و سرمایه - داران وابسته به امپریالیسم فوراً معارضه و ملی اعلام گردد.

۳ - کلیه کارشناسان آمریکائی و شبکه های توطئه و تحریک عوا - مل و ایادی آمریکا در ارگانهای کشوری و لشکری کشف، محاکمه و مجازات گردند.

۴ - نیروهای مرتجع و وابسته نظیر رهبران قبا ده موقت، پالیز - بان، جاف، شیخ گزگک و غیره سرکوب و از ایران اخراج گردند.

۵ - برای جلب وسیع توده های دهقانی به جنبه نبرد ضد امپریا - لیستی و پایان بخشیدن به ورشکستگی کشاورزی، فوراً به اصول و نظمسات ارتجاعی بزرگ مالکی پایان داده شود. وزمینهای زمینداران بزرگ مر -

تجمع بین دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم گردد.

۶ - برای تحکیم اتحاد میان خلغهای کشور و جلوگیری از تحریک سوء و فتنه انگیزی محافل ارتجاعی فرصت طلب و عمال آمریکا، فوراً حق همه ملیتتها مستعدیده منجمله خلق کرد، برای تعیین سرنوشت خود و خود مختاری در جا رچوب وحدت سیاسی و تمامیت ارضی کشور بر رسمیت شناخته شود.

۷ - توده های شهرها و روستا های کشور آموزش نظامی دیده دستة - های نظامی خلقی در سراسر کشور و تاسیعا ایجا دگرد.

"تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان" بار دیگر همبستگی و همسرا هی قاطعانه خود را با مبارزات ضد امپریالیستی دوره کنونی اعلام داشته و توطئه محاصره شهرسندج را توسط "کلاه سبزه های" عامل امپریالیسم محکوم کرده و به هیأت حاکمه هشدار میدهد که عوام اینگونه توطئه چینی ها را مسترفی و در دادگاه خلغ محاکمه نماید تا صفوف وحدت ضد امپریالیستی خلغهای ایران با زهم مستحکمتر گردد.

تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان  
۵۸/۹/۱۶

پرتوان تر...  
خون خوار را مصادره انقلابی و بین خود تقسیم کرده اند. مقدار زمینهای مصادره شده ۳۰۰ هکتار از زمین های فرهادی و ۱۰۰ هکتار از زمینهای مزراعی میباشد.

دهقانان این روستا با پدید آمدن دهکده بقیه زمینهای این دو مالک از آن خود دهقانان میباشد و آنها را هر چه زودتر بین خود تقسیم کنند. توفیق و بیروزی از آن شما دهقانان غیور، ننگ و نفرت برای مالکین.

۷- روستای بندا میر مردوش: دهقانان این روستا که در اوایل تابستان ۴۴۰ هکتار از زمینهای مالک این روستا بنام "نامی" را به تصرف خود در آورده بودند در تاریخ ۵۸/۸/۲۷ دوباره بصورت انقلابی عمل کرده و بقیه زمینها (در حدود ۱۰۰۰ هکتار) و حلقه های چاه آبکشی، گله دانی و ویلای "نامی" را به تصرف انقلابی خود در آورده اند. "نامی" این کل مالک ظالم در اوایل این حرکت انقلابی دهقانان بندا میر هر چه دست و پا زده بود با شکست روبرو شد. حتی پشتیبانان او یعنی سپاه پاسداران و ژاندارمری هم نتوانسته بودند در برابر دهقانان ایستادگی کنند. "نامی" اکنون دست به حیل جدیدی زده است، او تعدادی از اهزانان و ولگردان را جمع نموده و از طرف سپاه پاسداران نامه ای بدین مضمون که این افراد روی زمینها کار میکنند و اندو بقیه زمینها یعنی ۱۰۰۰ هکتار را بدیده اینان تعلق گیرد. ولی دهقانان زحمتکش بندا میر با هوشیاری این حیل را برای تمام دهقانان منطقه فشاء کرده دست "نامی" را پیش همه رو کرده اند. دهقانان بندا میر مصمم هستند که تمام زمینهای که سالها روی آن غرق ریخته اند را به تصرف انقلابی خود در آورند.

طبق آخرین خبر:  
در هفته آخر آبان ماه ۸۰ مالک از جمله عبدالهی، سجادی و دیلمی از ما - لکین فارس بقمر فتنه و حمايت شيخها را جلب کرده اند و نامه ای به این شرح که در فارس به مالکین "ظلم" میشود و مالکیت اراضی آنها اسلامی است را گرفته اند. این حرکت مالکین درست در مقابل و برای سرکوب دهقانان قیام کننده برای گرفتن زمین است که از طرف حکومت و شیخها نیز حمايت شده است.

حرکات انقلابی دهقانان و عشا یی روستا های منطقه کربال مردوش با یستی سرمشق دهقانان تمام ایران باشد. دهقانان در عمل انقلابی خود در پیافته اند که رمز پیروزی شان در اتحاد و هوشیاری آنها در مقابل توطئه های مالکین میباشد. و به این نتیجه رسیدند که حق همچنان گرفتنی است و نت - دادنی

زنده باد حرکت انقلابی دهقانان برای گرفتن زمین  
زنده باد شورای دهقانی  
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

"یاران دهقانان انقلابی فارسی"  
(آذرماه ۵۸)

# پرتوان تریباد جنبش انقلابی دهقانان فارس

از تاریخ ۵۸/۸/۲۴ موج جدیدی از مبارزه دهقانان بر علیه مالکین زورگویی و چپاولگر منطقه کربال، سرودشت و رود کرفارس را در بر گرفته است. ما در "حقیقت" شماره ۴۹ (ضمیمه) گزارشی از مبارزه دهقانان خوش نشین روستای آتابک کربال را منتشر ساختیم و اینک گزارش مبارزات دهقانان فیورسا و روستاهای این منطقه را در اختیار خوانندگان قرار میدهم.

منطقه فارس از جمله مناطقی است که مبارزات دهقانان بر علیه مالکین بزرگ و خوانین مرتجع عشا بر چه قبیل از قبا مبهم ماه و چه بعد از آن در سطح گسترده‌ای وجود داشته است و حاکی از جد بودن مساله انقضی ولاینحل ماندن خواسته‌های به حق دهقانان مبنی بر مصادره و تقسیم انقلابی اراضی می باشد. ظلم و استثمات رفئودالی و نیمه فئودالی در این منطقه پیدا می کند و قدرت مالکین بزرگ ارضی با قدرت خوانین مرتجع عشا بر علیه دهقانان و عشا یستعدیده پیوند خورده و خوانین و مالکین مرتجع با در اختیار داشتن نیروهای مسلح مزدور و همچنین بهره گیری از همه امکانات سرکوبگرانه رژیم شاه و همچنین رژیم کنونی، بر علیه دهقانان توطئه چیده و آنان را از حقوق خویش محروم ساخته بودند. قیام مبهم ماه و سرنگونی دربار پهلوی، اوج گیری مبارزات انقلابی توده‌ای در سرتاسر ایران، دهقانان این منطقه را نیز در بر گرفت و به مبارزات آنان شتابی جدید داد. پیشروترین و آگاهترین دهقانان بطور مستقیم مساله مصادره اراضی را در دست گرفتند و با خلع پیدا ز چند مالک نمونه‌های برجسته‌ای برای سایر دهقانان بر جا گذاشتند. پیشروترین مبارزه دهقانان در این منطقه بر علیه مالکین مسلحانه اقدام کردند و در برابر نیروهای مزدور مالک و همچنین افراد کمبخته و پاسدار مسلحانه مقاومت کردند و آنان را عقب نشان دادند. دهقانان برای حفظ اراضی مصادره شده مسلحانه نگهبانی کردند و گاه همه جمعیت یک روستا در این راه بیکار افتاد. در زیر ما گزارش مبارزات سایر روستاهای این منطقه را به نقل از اعلامیه "یاران دهقانان انقلابی فارس" آورده و برای این جنبش توفنده آرزوی موفقیت می نمائیم و با ریدگر توجه همه نیروهای انقلابی را به جنبش عظیم دهقانان، توان پیتا شیل و نقش آن و وظایف طبقه کارگر نسبت به آن جلب می نمائیم.

بی مقابله کنند. زنده باد اتحاد انقلابی دهقانان روستای محمودآباد - پرتوان تریبادمقاومتشان در مقابل فئودالهای خون آشام!

۳- روستای حسین آباد: این روستا در منطقه کربال سرودشت در حاشیه رود کرفارس قرار دارد. تعداد ۲۵ نفر از دهقانان این روستا ۴ نفر از حاشیه نشینان مزرعه‌های حسین آباد ۱۵ نفر از دهقانان روستای تریبک ماهی سال روی زمینهای مالک یعنی خان سمعی زاده کار کرده اند و زحمت کشیده اند. متحد شده اند و در تاریخ ۵۸/۸/۲۸ مقدار ۲۶ هکتار از زمینهای این مالک را به تصرف انقلابی خود در آورده اند. این دهقانان زحمتکش و دلاور زمین ها را کشت کرده اند. خان سمعی زاده برای ظلمها و مفتخوری های خود خواسته است با دادن مسقذاری پول دهقانان را فریب دهد، که این حيله اش هشیا را نه از طرف دهقانان خنثی شده است. زیرا دهقانان قهرمان خواهان نابودی مالکین هستند و با پول نمیشود آنها را خرید. مرگ بر مالکین دوری فریب کار که خواهان ادا مظلوم و ستم به دهقانان زحمتکش مینماید ما میباشند.

۴- مزرعه دولت آباد: دولت آباد در نواحی شول بندامیر (کربال سرودشت) و در حاشیه رود کرفارس قرار دارد. تعداد ۶۳ نفر از عشا یریا صری که در سالهای قبل از ۱۳۴۱ بزور زاندار مهابدست حیدریک دیلمی اقتصاده و از مزرعه رانده شده بودند، متحد شده اند و این مزرعه با ۱۶ هکتار زمین و ۲ حلقه آه بکشی را به تصرف خود در آورده و اکنون برای اولین بار بعد از سالها رنج و محنت و سختی زمینهای را که از آن خود آنهاست کشت کرده اند.

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند. پس مالکین مفتخور هیچ حقی از این زمینها را ندارند چون روی آن کار نمیکنند.

۵- مزرعه های کرچه: تعداد ۶ خانوار عشا یریکه در سالهای ۴۱ بسوسله کسن علی خان فرغانی فدهقان که از یزدان پناه ۶ هزار تومان گرفته و این عشا ییرو دهقانان را سرکوب و آواره کرده بود، اکنون این عشا یی متحد شده و در تاریخ ۵۸/۸/۲۴ سه مزرعه را که روی آن کار میکردند اندامیرا چاهای آبکشی را به تصرف انقلابی خود در آورده اند. مقدار این زمینها ۲۵۵ هکتار است که آنها را شخم زده و بنریاضی کرده اند و همگی از مزرعه ها نگهبانی و حفاظت کرده و حاضرو هوشیار آ ماده خنثی کردن توطئه های یزدان پناه و هر نیروی دیگری هستند. این مالک در روزهای اول این عشا ییرو غیور را تهدید به سرکوب بسوسله پاساران کرده بود، و گفته بود که شما اخلالگری و چون با شکست روبرو شد در تاریخ ۵۸/۸/۳۰ میخواست با دادن ۲۰۰۰۰۰ تومان پول این زحمتکش را خریده و فریب دهد. زمینها را از چنگ آنها خارج کند. ولی دهقانان عشا یی گرفته اند ما ظلمهای گذشته مالک را از یاد نبرده ایم و اگر قیمت تمام زمینها را هم به ما بدهد از روی زمین دور نخواهیم شد چون ما خواستار پول نیستیم، ما خواستار زمین و نابودی مالک هستیم.

با بداین مالکین را نابود کرد که دیگر با حيله تا زهای خود را برای سرکوب دهقانان قهرمان آماده نکنند.

۶- روستای دولت آباد سرودشت: این روستا در یک کیلومتری شهرستان سرودشت قرار دارد. تعداد ۳۵ نفر از خوش نشینان و دهقانان دولت آباد بعد از انقلاب در فروردین ماه ۵۸ قیام کرده تا زمینهای که سالها روی آن کار میکردند بدست آورند، اما موفق نشدند. دوباره در تاریخ ۵۸/۸/۳۰ دهقانان این روستا متحدانه و بشیوه انقلابی زمینهای مالکین یعنی صدفرهادی و حسن مزارعی این دو مفتخورو

در زیر اخبار مبارزات دهقانان زحمتکش برخی از روستاهای منطقه کربال که در این موج نوین گرفتن زمین شرکت داشته اند می آوریم:

۱- روستای ده میدان: تعداد ۶۴ نفر از دهقانان خوش نشینان زحمتکش روستای ده میدان کربال سرودشت در نواحی رود کرفارس تاریخ ۵۸/۸/۲۵ مقدار ۲۵ هکتار از زمینهای روستا که مالک آن مهندس توللی ظالم (بزرگ درزن حسن علی خان فرغانی مفتخور که یکی از جنایتکارترین خانها و مالکین فارس میباشد) را مصادره انقلابی کردند. مهندس توللی ضمناً سها مدار چندین کارخانه در فارس نیز میباشد. توللی مفتخور که بدون کار کردن روی یک وجب از این ۲۵۰ هکتار روبرودن اینکه در سراسر عمرش حتی یک نیل در این زمینها زده باشد همیشه درست رنج دهقانان را صرف شکم خود و ساختن خانه و عیاشی های خود میکرد تا اکنون جرات نشان دادن عکس العمل در مقابل دهقانان غیور و زحمتکش ده میدان را نداشته است. و اگر زمانی جرات هم نشان دهد دهقانان غیور این روستا به صورت انقلابی به حسابش خواهند رسید. دست پرتوان نشان بر فرق این پست خون آشام باد!

۲- روستای محمودآباد: مالک زمینهای این روستا نیز متعلق به مهندس توللی میباشد. تعداد ۵۲ نفر از دهقانان خوش نشینان و عشا یریا این روستا در تاریخ ۵۸/۸/۲۵ مقدار ۱۲۰ هکتار زمین توللی را به تصرف انقلابی بی خود در آورده اند. این دهقانان زحمتکش که بعد از سالها به حق خود رسیده اند برای حفاظت از حق خود شانه روزهوشیا را نه روی زمینها نگهبانی میدهند و ماده اندتا با هر نیروی که بخواد آنها را سرکوب کند بطور انقلابی

دودوزه ...

# جبهه خلق یا جبهه بندی برای کودتا علیه خلق

دارودسته حزب توده از ضرورت جبهه متحد خلق در برابر امپریالیسم آمریکا و با دیدش زیاده حرف میزند، ولی در واقع منظورش تشکیل یک جبهه بندی علیه خلق است. آنها شی که در زمان "طاغوت" در زیر عنوان "جبهه ضد دیکتاتور" به گفته خودشان "ترجیح" میدادند که جناح سولمترو واقع بین تر هیئت حاکمه زمان ما مور را بدست گیرد. ("دنیا" ویرژنا مه ۵)، یعنی جناحی از با ندهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم که با ضربه کتار آمدن با حزب توده و اربابانش در مسکو با شنند، امروز نیز زیر عنوان "جبهه متحد خلق" بدنبال همین گونه جناحها دوان هستند و بویژه به محافل آرزومند قدرت و ضد ملی در بالای ارتش نظر دارند.

نمونه آن پها مبلند بالای حزب توده در جریان وقایع خونین خرمشهر بود که از تیمسار رمدنی، عامل اصلی فجاج خرمشهر و یکی از نامزدهای اصلی ایفای رضا خانی در کشور ما، تقاضای تشکیل "جبهه متحد خلق" کرده بودند. البته تیمسار نامبرده هم قبلا بقیه اعضای جبهه کذابی را از مشت شیوخ مرتجع عرب و عامل رنگ عوض کرده ساواک منحل و تکاوران ارتش (که لباس پاسدار بتن کرده بودند) بسیج و آماده کرده بود. در وقایع خونین انزلی نیز با زپای تیمسار رمدنی، این فرمانده شبا دنیروی دریائی، به میان کشیده شد و برای با صلا ح میانجی گری میان میدان و سپاه پاسداران و ایجاد صلح و صفا در انزلی دنیروی دریائی را وارد میدان کرد. با اینکه همین

همبستگی...  
ما ساچوست - در دنا نگاه  
ما ساچوست در آورست ۷۵ تن از دانشجویان بدفاع از ایران و علیه امپریالیسم آمریکا دست به تظا هرات زدند.

سا زمان "جوانان انقلابی کمونیست" گوش فرا میدادند، چندان نشجوی رشته نظامیگری با شمارهای ضد ایرانی حمله کرده و یکی از اعضاء سازمان "جوانان انقلابی کمونیست" را به باد کتک گرفتند. پلیس فاشیست نیز در آخر دنا نشجوی مفرور را بجرم "زفتار فیرقانونی" دستگیر کرد!

تیمسار فلوریدا: پیرو درخواست کمیته دفاع از انقلاب ایران، حدود ۵۰۰ تن از دانشجویان دریگ گروه آئی شرکت میکنند. در همین زمان حدود ۱۵۰ تن از اوساش آمریکا که علامت KKK کوکلاکس-کلان بر لباسهاشان منقوش بود به این گروه آئی حمله میکنند که با عکس العمل تظا هر کنندگان روی سر می شوند. (آدمی بیاد "کارگران" شاه - پرست و در واقع چماق بدستان ساواک می افتد که همین اعمال مشابه را بر علیه مردم میا رز در ایران انجام می دادند).


بحث و مبارزه در میان کارگران بارانداز آمریکا در ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان) آقای جیم هرمن، رئیس اتحادیه بین المللی باراندازان و کارگران وانبار در ایالت تکزاس اعلام کرده تا زمانیکه کارگران نهائی آمریکا در ایران آزاد نشوند، هیچ باری را به کشتیهای عازم ایران تحویل نخواهند داد. پیرو این تصمیم ارتجاعی رهبری این اتحادیه، اعضاء سازمان ملی کارگران متحد، دست به افشاکری از این عمل ارتجاعی نمودند. در طی این افشاگری ها که همراه معادلات و بحثهای داغ پیرامون آمریکا و امپریالیسم و انطباق آن برای ایران بوده، یکی از اویاشان چماق بدست رهبری اتحادیه خواست به اعضاء سازمان ملی کارگران متحد حمله ور شود. که خود کارگران بارانداز در مقابل این اقدام ارتجاعی عکس العمل شدید نشان داد و حوق چماق بدست راکف دستش می گذارند. در ساختمان محلی شماره ۶ اتحادیه بین المللی باراندازان... روسای اتحادیه پلیس را خبر میکنند تا اعضاء سازمان ملی کارگران متحد را دستگیر نماید. زمانیکه پلیس می رسد، یکی از اعضاء اتحادیه بین المللی... خود را در مقابل پلیس قرار داده و بدفاع از کارگران افشا کننده امپریالیسم بزمیخیزد. و پلیس مجبور به ترک محل میگردد.

در روز ۲۹ نوامبر (۸ آذر) سازمان ملی کارگران متحد یک اعلامیه بزرگ حاوی یک تلگراف را به

دیوار نصب میکنند و مردم میخوانند که آنرا امضاء کنند. در این تلگراف آمد بود که "بمردم ایران از طرف کارگران آمریکا: ما نقشه های جنگ افروزانها کمین بلندیها به قدرت مند این کشور (آمریکا) را می بینیم. و این مسئله ما را برمی آذوبد! شما (مردم ایران) مشغول تیبازدن به ثروتمندان و وچکه لیسان آنان در سراسر جهان هستید. زنده باد شما! شاه را (به ایران) بازگردانید! دستهای آلوده بخون ایالات متحده از ایران کوتاه! تعدادی از کارگران امضاء خود را پای این تلگراف می گذارند و همینطور که بحث پیرامون ایران داغ ترمیشه، تعداد امضاء کنند نیز افزوده میگشت. این اتفاقات درست روزی صورت میپذیرد. فت که رهبری اتحادیه بین المللی... مشغول تیبه و ما در کردن قطعنامه های علیه ایران بود!

بسخن یکی از اعضاء قدیمی اتحادیه بین المللی باراندازان... "توجه کنید: یک لحظه به ما میگویند که وضع کارگرا نها خوبست. بعد کار ترمی آید و میگویند که آنها دارند شکنجه میشوند. حالا هم میگویند که منزلت آمریکا مهمتر از جان کارگرا نهاست. اینان (هیئت حاکمه آمریکا) واقعا فکر میکنند که ما احمق ترین مردم دنیا هستیم. کار تردنبال چه جنجالی است؟"

**در تکثیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید**



از کان امپریالیسم کمونیستی ایران را بپوشانید و از پخش مردم بپوشانید!



شرایط ....

ومواضع خودپیرامون موقعیت و چگونگی مبارزه برای تحقق اهداف انقلاب ایران بطورکلی و اهداف جنبش عادلانه خلق کرد بطورخاص به یکجا نیگمی و مطلق اندیشی دچار نبوده و بویژه در این اواخر تا کنیکها و شعارهای چپ - روانه‌ای را طرح و تبلیغ کرده است. با اذعان به انحراف فوق و توضیح حرکت خود، تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان "لازم میداند که مواضع کنونی خود را پیرامون اساسی ترین مسائل روز اعلام دارد.

۱ - جنبش انقلابی در کردستان بخش جدائی ناپذیری از جنبش انقلابی سراسر ایران بوده و تشکیلات ما با حرکت از موضع زحمتکشان قبا - طعانه‌ها مطالبات خلق کرد، رفع ستم ملی و تحقق خودمختاری در کردستان ایران دفاع میکند. دستاوردهای جنگ، مقاومت مردم کردستان جزئی از دستاوردهای انقلاب ایران بوده و حفظ و تحکیم آنها به حفظ و تحکیم مواضع انقلاب درسراسر ایران یاری میرساند. اکنون مقاومت عادلانه خلق کرد در برابر جنگ تحمیلی دولت و محافل شوونیست تحولات نوینی را در اوضاع بوجود آورده، تحمیل کنندگان جنگ و محافل جنگ افروزان ارتجاعی در ارتش و دولت ناچار به عقب نشینی شده و فعلا راه عقل و منطق و حل مسالمت آمیز مسأله کردستان بر راه دیوانگی و وحشیگری و جنگ افروزی غلبه کرده است. خلق کرد که از ابتدا خواهان چنین جنگی نبوده به تحولات یاد شده و با تاکید بر حفظ دستاوردهای خود در جنگ مقاومت آمادگی خود را برای آشتی و استقرار یک صلح عادلانه در کردستان اعلام داشت و از مذاکرات صلح استقبال کرده و میکند. شکی نیست که خلق کرد با دیدن مراحل مذاکرات صلح هوشیاری خود را همچنان حفظ کند و با ایت و سنجیدگی کامل تمامی تو - طنه‌هایی را که همچنان از سوی برخی محافل مرتجع، فرماندهان ارتشی و غیره برای برهم زدن مذاکرات صلح - لگدمال شدن حقوق حقه مردم کردستان و فروختن دوباره آتش جنگ تحمیلی چیده میشود در هم شکنند، تشکیلات ما در کنار خلق کرد و مقابله با هر نوع توطئه و تحریکات پانبرجسا ایستاده و خواهد ایستاد.

۲ - ما قاطعانه ز رهبری شیخ عزالدین حسینی در مذاکرات صلح کنونی دفاع کرده و از خواستهای هشتگانه خلق کرد، که توسط هیات نما - بیندگی برای مذاکرات با دولت اعلام شده است، پشتیبانی نمیکنیم. دربارہ رعایت آتش بس و هیات نما بیندگی خلق کرد اعلام میداریم که بنا به مصالح عمومی و جهت تسریع امر صلح در کردستان از این هیات نما بیندگی زیربسه رهبری شیخ عزالدین حسینی حمایت نمیکنیم و همچنین خود را ملزم به رعایت آتش بس میدانیم. (ما نظرات خود را در مورد خودمختاری، بعد اعلام خواهیم کرد)

۳ - اکنون اوچگیری مبارزه توده‌های وسیع مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا تحول نوینی در اوضاع عمومی انقلاب در کشور ما بوجود آورده و خلقهای ایران با شور و شوق انقلابی تکان دهنده‌ای وارد یک نبرد متحدانه ضد امپریالیسم می‌شوند. توفیق در این مبارزه بزرگ حیاتی که در مسیرهای از جنگال غارتگران بین المللی و ذراس همه آمریکا - جنایت کار حرکت میکند، در درجه اول اتحاد تمامی توده زحمتکش سراسر ایران و همه طبقات، و قشرها و نیروهای ترقی خواه و استقلال طلب ایران را ضرور میگرداند. با ید با قاطعیت و همه تیر و در این مبارزه وارد شد و همه مردم را به پیگیری در نیل به اهداف رهاشی و استقلال ملی کشور و اتحاد در این مبارزه دعوت کرده و به تقویت جنبش عمومی ضد امپریالیسم یاری رساند. ما به‌دانشجویانی که لانه جاسوسی آمریکا را در تهران به تصرف ملت در آورده و مردم را به مبارزه با امپریالیسم آمریکا و پرهیز از گوش فرادادن به نمایح بدخواهان تفرقه افکن و سازشکاران در این مبارزه دعوت کردند دروهای گرم میفرستیم.

۴ - خواست با زگرداندن شاه مخلوع به ایران و محاکمه و مجازات وی و همچنین مطالبه داری دزدی شاه و خانواده‌اش از آمریکا خواست بر

حق همه ملت ما ست. و با یدی هیچ عقب نشینی بر آن اصرار ورزید. اکنون امپریالیسم غارتگر آمریکا در برابر این خواست عادلانه خلقهای ما و برای درهم شکستن جنبش عظیم ضد امپریالیسمی توده‌های ملت ما به محاصره اقتصادی و تهدیدات نظامی توسل جسته و در راه تشکیل یک جبهه با است - ارتجاعی از دولتهای امپریالیستی و دست نشانگان نشان در منطقه برای اعمال فشار بر ملت ایران و انجام تحریکات ارتجاعی در کشور ما کوشش می - کند. هر چند در اوضاع و احوال کنونی بین المللی برای امپریالیسم آمریکا دست زدن به یک جنگ تجا و زکارانه علیه ایران دشوار مینماید، لیکن نیروهای انقلابی و ملت ما هرگز نبا ید شک و شبهه‌ای درباره ما نیست تجا و زکار روز و روزگاری دولت آمریکا به فکر خود راه دهند و با از هوشیاری خود در برابر تهدیدات نظامی و تحریکات بدخواهانه امپریالیسم آمریکا - هند. تنها با بسیج و متحد گردانیدن توده‌های هر چه وسیع تر همه خلقهای ایران و آماده سازی همه مردم برای مقابله با توطئه‌ها و نقشه‌های آمریکا و از جمله تسلیح عمومی خلق میتوان هر دسیسه شومی را از سوی دولت آمریکا خنثی کرد و با در صورت وقوع یک جنگ تجا و زکارانه و با تشبثات کودتا گرانه در داخل کشور پیروزی کامل را از زمان ابتدای کار بر امپریالیسم آمریکا و با یدش تضمین گرداند. "تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان" آشتیاق و آمادگی کامل خود را برای نبرد مسلحانه با امپریالیسم آمریکا، همسودش با بر نیروها و تشکیلاتهای انقلابی و خلقهای محروم میهن خود از هماکنون اعلام میداریم.

۵ - ما به همراه سایر انقلابیون و توده‌های برخاسته میهن خود ضرور میدانیم که برای از میان برداشتن هرگونه زمینه توطئه و تحریکات و خرابکاری امپریالیسم آمریکا و تقویت اتحاد جبهه ضد امپریالیسمی مردم ایران این خواسته‌ها فوراً تحقق یابند:

۱ - تمام وابستگی‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی به امپریالیسم آمریکا از میان برداشته شود و کلیه قراردادها، معاهدات و مقابله‌نامه‌های میان رژیم سابق و دولت موقت و امپریالیسم آمریکا لغا شده و مقابله‌نامه‌ها برای اطلاع مردم ایران فاش گردد. ۲ - کلیه سرمایه‌های امپریالیستی بویژه آمریکا و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم فوراً مسأله دره ملی اعلام گردد. ۳ - کلیه کارشناسان آمریکایی از کشور اخراج و شبکه‌های توطئه و تحریک عوام و ابادی آمریکا در ارگانهای کشوری و لشکری کشف و نابود گردند. ۴ - برای جلب وسیع توده‌های دهقانی به جبهه نبرد ضد امپریالیسم فوراً به اصول و نظرات ارتجاعی بزرگ مالکی و غارتگری و زورگویی خانها، ملاکان و وجیره خواران بیگانه در روستاهای کشور پایان داده شود و املاجات ارضی ریشه‌ای و دموکراتیکی بنبغ توده‌های بی زمین و کم زمین دهقانان صورت گیرد. ۵ - برای تحکیم اتحاد میان خلقهای کشور و جلوگیری از تحریک سوء و فتنه انگیزی محافل ارتجاعی فرصت طلب و عمال آمریکا فوراً حق همه ملیت‌های ستمدیده ما برای تعیین سرنوشت خود و خودمختاری در چارچوب وحدت سیاسی و تمامیت ارضی کشور برسمیت شناخته شود. ۶ - در میان تمامی توده‌های شهرها و روستاهای کشور آموزش نظامی فوراً آغاز شود و تشکیل دسته‌های مسلح خلقی در سراسر کشور وسیع گسترش یابد.

۶ - قانون اساسی پیشنهادی کنونی، که محصول مجلس ناخواسته خیرگان میباید، به هیچ روی نگر و به ثبت رسا ننده مطالبات اساسی انقلاب بزرگ توده‌های عظیم خلقهای کشور ما نیست. در این قانون اساسی مطالبات اساسی زحمتکشان کشور ما منعکس نشده است، این قانون آزادی و دموکراسی را برای مردم تضمین نکرده است و پاسخگوی مطالبات ضد امپریالیسمی و استقلال طلبانه ملت ما نمیباید. بعلاوه در این قانون حقوق خلقهای زیر ستم ملی کشور نیز تا مین و تضمین نشده است بویژه در حال حاضر که جنبش ضد امپریالیسمی مردم ایران اوج گرفته و تقویت اتحاد همه مردم در این مبارزه مهمترین ضمانت برای پیروزی در این مبارزه است. این قانون اساسی به اتحاد توده‌های زحمتکش مردم ما و تحکیم وحدت خلقهای کشور یاری نمیرساند و حتی خطر تضعیف و خدشه‌دار ساختن آن را افزایش میدهد. از اینرو "تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان" با این قانون اساسی پیشنهادی مخالف بوده و فراتر از آن را تحریم مینماید.

سخنی با ...

اتخاذ دیک فرمول خشک و مکنایکی در مورد مبارزه طبقات و اوضاع رگوناگون قضاوت کرد و بلکه با دیدرمتن مبارزه و در عمل و موقعیت هر یک از این نیروها جا یگانه آنها را تعیین نمود.

خرده بورژوازی سنتسی و زمین داران خرده، (که خمینی تنها - بندگی شان می نماید) با امپریالیسم تضافی و در اندواین یک تضاف واقعی و مبتنی بر جایگاه آنان در اجتماع و سنتی است که امپریالیسم بر آنها روا داشته است. تضاف این نیروها با بنیادهای ضد دموکراتیک جامعه الزاماً به شدت تضادشان با امپریالیسم نبوده و بلکه کمتر از آنست (گرچه این نیروها با شرکت در مبارزه علیه دربار و دیکتاتور محمدرضا شاهی تضاد خود را با این بنیادهای نشان دادند). این نیرو به سبب جایگاه طبقاتی در تعیین داشتن تضاد با امپریالیسم و ارتجاع، با کارگران و دهقانان و خواسته های انقلابی آنان نیز تضاد دارد و در حرکت این نیروها موقعیت خود را در خطر می بیند و در نتیجه بر علیه آنان نیز دست به اقدام میزند. این موقعیت خلعت دوگانه، توفیح دهنده تضاد است که میان بر خورده این نیرو و وظایف دموکراتیک انقلاب و وظایف ضد امپریالیستی اش وجود دارد. شناختن این ویژگیها باعث بروز انحرافات "چپ" و پاراست می شود. (همین خصوصیت البته به درجات پایین تری در باره بورژوازی ملی نیز صدق میکند.)

در تاریخ انقلاب جهان (چون چین، ویتنام، شوروی، آلبانی و کره) نمونه های این حرکت و برخورد صحیح کمونیست های این کشورها فراوانند و در کشور خودمان نیز میتوان به نمودن صدق و حرکت او در قبایل و وظایف دموکراتیک و وظایف ضد امپریالیستی انقلاب اشاره کرد. مصدق بعنوان نماینده بورژوازی ملی، مخالف اصلاحات دموکراتیک ریشه ای بود و حتی با دربار نیز هم شات می کرد، لکن همین مصدق در شرایط خاص مبارزه علیه امپریالیسم انگلستان (امپریالیسم فاشیستی دوران) با قاطعیت و بی رحمانی بیشتری شرکت میجوید. دو مساله را با یاد زهم جدا کرد.

یکی اینکه این قبیل نیروها بسبب موقعیت طبقاتی شان قادر نیستند انقلاب را به سرانجام برسانند و چه در زمینه وظایف دموکراتیک و چه در زمینه ضد امپریالیستی، توان حل تضادها را ندارند و دیگر اینکه این نیروها با زیه سبب موقعیت طبقاتی شان در این مبارزه شرکت کرده و به درجات گوناگونی با آن جلومیا یند. ندیده گرفتن این دو جنبه باعث بروز انحرافات در برخورد با این نیروها میگردد.

کمونیست ها در برخورد با این نیروها نباید با اتکا به یک رشته فرمول های خشک و مکنایکی حکم صادر کرده و جوانب مختلف حرکت این نیروها را از نظر دور کنند. کمونیست ها باید جداگانه پذیرای وظایف دموکراتیک و ضد امپریالیستی را نشان داده، حدود ظرفیت پیشرفت این نیروها را آشکار سازند و در عمل به طبقه کارگر آموزش دهند. آنها باید برای پیشرفت انقلاب از تضاد همه نیروها با امپریالیسم و ارتجاع (به هر اندازه ای که هست) استفاده کنند و این نیروها را تجهیز نمایند. طبقه کارگر تا زمانی که نسبت به ظرفیت و جایگاه و حرکت این نیروها آگاهی نیابد، تا زمانی که ندادند نباید هر یک به چه نسبت با یس رفتار کند، آگاهی اش از آگاهی انقلابی طبقاتی نخواهد بود.

انحراف رفقای "پیکار خلق" چون انحراف بسیاری از گروه ها و سازمان ها، آنست که بجای حرکت از واقعیات مبارزه طبقاتی جاری و نقشی که حرکت از نیروها ایفا میکنند، از فرمول های از پیش پرداخته حرکت کرده، میخواهند حرکت نیروهای مختلف طبقاتی را در این فرمولها بگنجانند و چون فرمولها نشان با واقعیات نمی خورد، بزواقعیات خط بطلان میشوند.

رفقای "پیکار خلق" در بخش های دیگر مقاله شان به بررسی سیاسی مساله پرداخته، بار دیگر مساله "انگیزه ها" را به پیش کشیده اند و بهره برداری پاره ای از محافل مذهبی و مشروعه طلب را دلیل ضد امپریالیستی نبودن این مبارزه قلمداد کرده اند. همانطوریکه قبلاً گفتیم، طبقات مختلف، با انگیزه های مختلف در مبارزه شرکت میجویند و طبقه کارگر نه با این انگیزه ها، بلکه با عمل و نتایج عینی آن همراهی و وحدت می نماید. این همراهی و وحدت، همراهی و وحدت در مبارزه علیه دشمن مشترک است و در این راه همه بطور کاملین خاطر نشان ساخته است طبقه کارگر هیچ انتظاری

# اخبار مبارزات مردم آمریکا

در حوالی شهرداریت، ایالت میشیگان ۳۰ نفر تظاهرات کرده در خارج از ایالت هوائی کار رد ملی "سلفریج" در حالیکه پلاکاتی حمل می نمودند، دست به تظاهرات زدند. در همان موقع، چهار تن از اعضای "سازمان سربازان از جنگ ویتنام برگشته" به همراه یک عضو "سازمان جوانان انقلابیون کمونیست" به مقر فرماندهی پایگاه حمله ور شده و کنترل آنجا را بدست گرفتند. آنان یک بیانییه قرائت کرده و فرمانده را مجبور میکنند که متن بیانییه را به کاغذ سفید و پینتاکون مخابره کند. در این بیانییه از جمله آمده است: "آری، آقایان برای خود ندارد.

سوء استفاده های گروه های مشروعه چی از مبارزه ضد امپریالیستی برخوردارند و مساله را ضروری میسازد. یکی اینکه در جریان این مبارزه، همانطوریکه برای اولین نیز دیده ایم در درون صفوف روحانیون متحد شکاف افتاده، مواضع گوناگونی بروز کرده است و در نتیجه با یس خوریدیکست نسبت به آنها خودداری نمود و تا نیا اینکه در مبارزه طبقاتی هر نیروی میکوشد تا از این مبارزه بسودمنافع خود استفاده ببرد و آنرا به زیر رهبری خویش بکشد. اگر نیروهای مشروعه چی توانسته اند از این مبارزه بسود خود استفاده ببرند، این دیگر گناه انقلابیون و نیروهای جنبش کمونیستی ماست که با تخطئه این مبارزه، با شرکت نکردن در آن و با استدلالاتی از این دست، راه را برای میوه چینی اینها باز نگذاشته اند. میگویند طبقه کارگر رهبریش را در متن مبارزه و در کشاکش سیاسی با سایر طبقات درگیر در این مبارزه بدست میآورد. این بدین معناست که خرده بورژوازی و یابورژوازی ملی رهبری را دوستی تقدیم طبقه کارگر نکرده و بلکه شدت در برابر آن مقاومت هم میکنند و میکوشند تا رهبری خود را تا مین کنند و رهبری خرده بورژوازی و بورژوازی ملی نیز هیچ معنائی ندارد مگر همان چیزی که امروز می بینید. در نتیجه کمونیست ها باید به جای شکایت از سوجدوئی های بورژوازی ملی و خرده بورژوازی، استیناها را با لایزه، در این مبارزه سازش کاری و معاشات جوئی وسوء استفاده طلبی های او را فاش کرده، در اس این مبارزه، رهبری آنرا کسب نمایند و راه دیگری وجود ندارد.

تسخیر کنندگان پس از اضرار نویسی علیه امپریالیسم آمریکا و تش زدن یک پرچم امپریالیسم آمریکا، پس از ۵ ساعت با لایزه با داشت شده و دستگیر گردیدند. این تظاهرات و تسخیر پایگاه کار رد ملی در حوالی دیترویت جوسیا سی حاکم بر شهر دیترویت را شدیداً تحت تاثیر قرار داد و در سراسر آمریکا مخابره شد. پیرو این مبارزه ستاد کار رد ملی امپریالیسم آمریکا دستوراً کیدیه ۴۰۰ پایگاه کار رد ملی در سراسر آمریکا صادر کرد تا اقدامات امنیتی شدیدتری را برای حفاظت از پایگاه های نظامی انجام دهند.

لس آنجلس - ایالت کالیفرنیا از طرف کمیته "دستهای آمریکا از ایران کوتاه" تظاهراتی در برابر "دادگاه" شهر بولری هیلز برپا شد. این "دادگاه" قرار زبوده کار "دادرسی" ۱۳۰ دانشجوی ایرانی که چند هفته قبل توسط پلیس فاشیست آن شهردستگیر شده بودند، رسیدگی نماید.

شیکاگو - جمعیت قاتل توجی از دانشجویان دانشگاه شیکاگو دست به یک تظاهرات زدند. در این تظاهرات عکس جان وین و پرچم آمریکا، بعنوان مظهر امپریالیسم آمریکا به آتش کشیده شد. (رجوع شود به عکس)

بوستن - در دانشگاه بوستون یک گردم آبی ۵۰ نفره در دفاع از ایران و علیه امپریالیسم آمریکا تشکیل شد. کطی آن بحث وجدل داغی میان عده قبلی مرتجع آمریکا و افراد انقلابی و مترقی آمریکا صورت گرفت.

# حقیقت

سخنی با ...

تئوریک مطرح می شود که چگونه نیروهای عمیقاً ضد دموکراتیک و حتی سرکوبگر دموکراسی میتوانند مستکرو پیشقراول یک نبرد امیل ضد امپریالیستی و عادلانه ملت باشد. "و" ما معتقدیم بنا بر اصل مارکسیستی جدا ناپذیری مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه دموکراتیک هیچ نیروی نمیتواند به نبرد علیه امپریالیسم برخیزد و بدون اینکه به مبارزه دموکراتیک توجه داشته باشد هرچه این مبارزه دموکراتیک وسیعتر و عمیقتر باشد، مبارزه ضد امپریالیستی قاطعانه تر خواهد بود. (هما نجا، ص ۹) رفقا از یک اصل درست

مارکسیستی - لنینیستی به یک نتیجه گیری کاملاً غلط و ضد مارکسیستی - لنینیستی رسیده اند. اصل اینست: مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه دموکراتیک جدا نیست. نتیجه گیری غلط اینست: تنها نیروها نمیتوانند مبارزه ضد امپریالیستی کنند که در مبارزه دموکراتیک نیز شرکت داشته باشند (مدافع دموکراسی باشند) و از آنجا که مخالف مردم اند، نمیتوانند مبارزه ضد امپریالیستی نمایند و در نتیجه اشغال جا سوسخانه یک مبارزه ضد امپریالیستی نیست.

رابطه میان مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی، رابطه ایست متقابل و جدا ناپذیر. وظایف دموکراتیک (چون تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم، آزادی دهقانان از روابط ماقبل سرمایه داری، احقاق حقوق ملی خلقها و اقلیت های ایران و...) بدون تحقق وظایف ضد امپریالیستی (چون طردهنده امپریالیست ها و کسب استقلال، مصادره ملی کردن سرمایه های امپریالیستی، خلق یک سازمان سرمایه های کثیر ادوری و وابسته و...) تحقق پذیر نیستند و بهمین ترتیب وظایف ضد امپریالیستی انقلاب بدون تحقق وظایف دموکراتیک آن انجام شدنی نیستند. بزبان دیگر در کشوری که امپریالیست ها هنوز سلطه دارند، مردم از حقوق دموکراتیکشان برخوردار نخواهند بود و دهقانان نیز به

زمین نخواهند رسید و بهمین ترتیب کشوری که مردمش از حقوق دموکراتیک برخوردار نباشند نمیتوانند خود را از یوغ امپریالیسم برهانند. این یک طرف قضیه است. از سوی دیگر در کشوری که انقلاب هنوز به مرحله سوسیالیستی نرسیده و در مقوله انقلابات بورژوا - دموکراتیک (از نوع نوین، یعنی تحت رهبری طبقه کارگر و نه بورژوازی) قرار دارد، وظایف ضد امپریالیستی خود بخشی از وظایف انقلاب دموکراتیک بحساب می آیند، یعنی تحققشان در مرحله ماقبل سوسیالیستی (دموکراتیک) صورت می پذیرد. از اینرو مبارزه ضد امپریالیستی خود بنوعی مبارزه دموکراتیک است و طبقات و اقشار دموکرات (و نه سوسیالیست) در آن شرکت میجویند و مبارزه ضد امپریالیستی شان در این چهارچوب و مرحله از انقلاب به پیش میرود. در نتیجه می بینیم چنانچه ما از مسأله "دموکراتیک" برداشتی به مراتب گسترده تر از مسأله آزادی های سیاسی را در نظر بگیریم (و بنیان گسزاران مارکسیسم - لنینیسم نیز با چنین برداشتی از آن یاد میکنند) می بینیم که ارتباط میان این دو مفهومی به مراتب دقیق تر از استنتاج رفقای "پیکا خلق" را در بر میگیرد. در عصر امپریالیسم، مقولات مبارزه دموکراتیک و مبارزه ضد امپریالیستی با یکدیگر جوش خورده، یک کل جداناپذیراً بوجود می آید و در بر خورد کمونیست ها به جایگاه و موقعیت سایر طبقات و اقشار اجتماعی، از زاویه برخوردشان به این کل است و نمی توان آنها را بصورت مکانیکی از یکدیگر جدا نمود.

ما شوشه دون در جمع بندی از انقلاب چین و ارزیابی از نقش بورژوازی ملی چین می گوید "بورژوازی ملی چین علاقه ای به مبارزه با فئودالیسم ندارد (بخوانید علاقه ای برای مبارزه در راه وظایف دموکراتیک ندارد و موافق حقوق دموکراتیک مردم نیست - حقیقت)، بخاطر اینکه دارای پیوندهای نزدیکی با طبقه مالکین ارضی است. و علاوه بر این، او کارگران را مورد استثمار قرار داده و استثمار میکند (بخوانید بر علیه کارگران و حقوق آنهاست - حقیقت)، از اینرو باید علیه او مبارزه کنیم" (ما شوشه دون - برخی تجارب از تاریخ حزب ما - گفتگو با برخی از احزاب کمونیست آمریکا لاتین - منتخب آثار - جلد ۵). اما ما شوشه دون مسأله را با صدور این

حکم کاملاً درست رها نکرده، به سن از جمع بندی ارتضاد میان این بورژوازی و امپریالیسم ادامه میدهد. "در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم با او متحد شوید و از زمان گفتار روگردانید - امپریالیستی او حمایت کنید، در عین حال که مبارزه مناسی را علیه گفتار روگردان ارتضاد، ضد طبقه کارگر و ضد کمونیستی وی انجام میدهند" (هما نجا). یعنی علیرغم آنکه بورژوازی ملی چین ضد فئودال نبود و در نتیجه پایش در زمینه سیاسی ترین ستون دموکراسی و وظایف دموکراتیک می لنگید و پیوندهای نزدیکی هم با یکی از دو تضاد اساسی جامعه چین (فئودالیسم) داشت، با زهم در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت می جست و حزب کمونیست چین نیز بدستی از این مبارزه وی حمایت کرده و در جبهه واحد ضد امپریالیستی با وی متحد گشت. این تضاد را چگونه میتوان توضیح داد؟ این تضاد تضادی است که در بن ماهیت دوگانها این بورژوازی نهفته است و از آن نشات می گیرد.

لنین در برخورد به بورژوازی لیبرال روسیه، گزارا خا طرفشان می سازد که این بورژوازی تضادی با امپریالیسم ندارد و حتی بخشی از آن را از امپریالیست ها (مثلاً ژاپن در انقلاب ۱۹۰۵) پول نیز میگیرد، لکن به سبب منافع خاص طبقه تیش بر علیه تزاریسیم مبارزه میکند. برپایه این تضاد است که لنین اتحاد با این بورژوازی را در مبارزه علیه تزاریسیم مآذون دانسته، در عین مبارزه با آن، از مبارزه اش علیه تزاریسیم حمایت می نماید.

کمونیست ها پایه استدلال و برخوردشان را بر مبنای انگیزه حرکت طبقات مختلف استوار نمیکنند، هیچ طبقه و قشری در دنیا پیدا نمیشود که انگیزه اش از شرکت در مبارزه سود بردن برای خودش نباشد. بورژوازی ملی با امپریالیسم تضاد دارد، زیرا امپریالیسم با زار او را تصرف کرده و وی را عقب رانده است و در نتیجه این بورژوازی خواهان عقب زدن امپریالیسم و بدست آوردن با زار برای چپا - ول است. خرده بورژوازی سنتی بر علیه امپریالیسم مبارزه میکند زیرا ورود امپریالیسم وی را به ورشکستگی کشانده و به نابودی سوق داده است و در نتیجه این خرده بورژوازی خواهان عقب زدن امپریالیسم بمنظور رونق گرفتن کسب و کار سوادگیری می باشد. دهقانان با فئودال ها مبارزه می کنند تا زمین بدست بیاورند و مالکیت

فردی خود را به جای مالکیت فردی فئودال بنشانند. همه این انگیزه ها و اهداف، از نظر طبقه کارگر که برای سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه میکنند در تحلیل نهائی انگیزه ها و اهدافی بورژوازی و ارتضاد می هستند. هیچ طبقه و قشری بخاطر چشم و ابوی سایر طبقات و اقشار مبارزه نمیکنند. هر طبقه و قشری در هر مقطع بر علیه آن چیزی مبارزه میکند که بزرگترین سبب پیشرفت و تکاملش باشد. آنچه کمونیست ها با بد حساب کنند اینست که آیا این مبارزه بسودتکامل و ترقی جامعه و بر علیه دشمنان اصلی انقلاب هست یا نه؟

طبقات و اقشار مختلف در انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی بر مبنای ظرفیت خاص خودشان شرکت میجویند و طبقه کارگر قاطعترین مواضع و بورژوازی لیبرال سازش کارانه ترین مواضع را اشغال میکند و سایر جریانات (طبق وسیع خرده - بورژوازی) در این میان نوسان دارند. طبقات و اقشار مختلف بر مبنای جایگاه و موقعیتشان در جامعه و رابطه ای که با امپریالیسم و نظام وابسته به این امپریالیسم دارند، ظرفیت مبارزاتیشان فرق میکنند. در انجام وظایف دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب جایگاه های متفاوتی را اشغال میکنند. بورژوازی ملی با توجه به پیوندهای نزدیکی با مالکین ارضی، در انجام وظایف دموکراتیک انقلاب از خود علاقه ای نشان نمیدهد، لکن همیسن بورژوازی در انجام وظایف ضد امپریالیستی انقلاب از خودش عمل بیشتری نشان میدهد. دهقانان با توجه به موقعیت تولیدی شان در مبارزه علیه روابط ماقبل سرمایه داری شدت عمل نشان داده، لکن به همان سرعت بر علیه امپریالیسم بسیج نمیشوند.

پس از آنجا که در انقلابات دموکراتیک نوین و در عصر امپریالیسم، وظایف دموکراتیک و ضد امپریالیستی با یکدیگر جوش خورده و جداناپذیرند، از آنجا که طبقات و اقشار مختلف در این انقلاب از ظرفیت و پتانسیل انقلابی و مبارزاتی گوشتا گونی برخوردارند و به نسبت بسود بست هایشان با سرمایه امپریالیستی و روابط ماقبل سرمایه داری از خود آشتی جوئی نشان میدهند و بالاخره از آنجا که وظایف ضد امپریالیستی انقلاب در این مرحله از انقلاب، در مقوله دموکراتیک می گنجد، نمیتوان با

# سخنی با نشریه پیکار خلق

دا رد زیر عنوان "سخنی با نشریه پیکار خلق" در این مقاله مواضع سازمان ما در ارتباط با اشغال جاسوسخانه امپریا لیسیم آمریکا به نقد کشیده شده و اعلام گشته است که "تحلیلی که نشریه حقیقت ارائه داده است از نظر تئوریک کاملاً نادرست و خلاف اصول مارکسیسم بوده و از نظر سیاسی خلاف واقعیت می باشد." (پیکار خلق، شماره ۲۹، ص ۹). رفقا در این مقاله به یک "مختصر" اکتفا کرده و وعده داده اند که در شماره بعد نشریه شان "بظور همه جا نباشد" نظرات ما را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و در نتیجه ما نیز در اینجا به یک مختصر اکتفا کرده و بحث مفصل را می گذاریم برای زمانی که با نظرات همه جا نباشد آشنا شویم. گرچه آنچه در همین شماره گفته اند با نداننده کافی همه جوانب مواضعشان را اعلام کرده است.

رفقای "پیکار خلق" مواضع سازمان ما را از دو جهت، یکی تئوریک و دیگری سیاسی مورد بررسی قرار داده اند و دو حکم برینا درستی شان صادر کرده اند. ما در برخورد به اشغال جاسوسخانه آمریکا و موج مبارزاتی دنبال آن اعلام کرده ایم که این مبارزه و اقدام یک مبارزه و اقدام ضد امپریالیستی بوده، باید مورد حمایت همه نیروهای انقلابی قرار گیرد. رفقای "پیکار خلق" در "فرد" امپریالیستی بودن این اقدام و

نشریه "پیکار خلق" ارگان "گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست" در شماره ۲۹ خود مقاله ای

# همبستگی مردم آمریکا با خلق ایران

این اطلاعیه از طرف عده ای از کارگران کارخانه تولید هواپیما سازی مک دانل، داگلس، کالیفرنیا، در همبستگی با مردم ایران صادر شده است. لازم بذکر است که این موسسه تولیدکننده بسیاری از جنگنده ها می است که شاه مخلوع جزو خریداران عمده آن بود.

اطلاعیه به دولت ایالات متحده :

رئیس جمهور کارتر :

ما کارگران کارخانه مک دانل، داگلس از اینجا، از میان موشک ها و اسلحه های جنگی تو، بخشش آمده و ما ماندهگان نازی و کولکلس - کلنی، و فرمز و سفیدوآبی (منظور حالین پرچم سه رنگ امپریالیسم آمریکا هستند - حقیقت) را که به دانشجویان ایرانی حمله نموده اند محکوم می نمائیم. ما همچنین مؤسسات خبری ارتباطات جمعی را که میکوشند این جانبیان را نمایندند طبقه کارگر آمریکا جلوه دهند، محکوم می نمائیم. ما هیچ فصل مشترکی چه با آنان و چه با شاه، که توجنیسن "قهرمانان" از او مافظت میکنند، نداریم. در واقع ما دارای نقاط اشتراک بسیار بیشتری با دانشجویان ایرانی هستیم تا با جاسوسان آمریکا - شی (اعضای سیا) که در گروگان بسر میبرند. ما بتواژه نمیدهم که با این تبلیغات مزخرف "آمریکا رایا دوست بدارد یا ترک کن" (که یک شعار امپریالیستی بورژوازی آمریکا برای تحریک و تحمیق مردم مبارز آمریکا است - حقیقت) که بسراهِ انداختن و شرایط جنگ جهانی سوم را آماده می سازی، صاف و ساده قرار کنی.

با امضاء ۱۵ کارگر کارخانه هواپیما سازی مکدونال - داگلس - هانتینگتن بیچ، کالیفرنیا.

کولکلس کلن ها - نام دارد دسته ارتجاعی است که از زمان جنگ شمال و جنوب آمریکا، از طرف برده داران و سرمایه داران بزرگ مناطق جنوبی اجیر می شدند تا سیاه پوستان را سرکوب نمایند. این دارد دسته اکنون نیز وجود دارد و دعوا ملین مستقیم ما - فل امپریالیستی هستند و مبتا به جماع طبقه حاکمه بر علیه انقلابیون و طبقه کارگر به فعالیت های جنایت آمیز خود ادامه میدهند. اخیراً در ایالت کارولینای شمالی در شهر گرینزبورو عده ای از افراد مترقی به دست همین دارد دسته در یک تظاهرات ضد فاشیستی شهید شدند.

این گرگ گریبان همان گرگ است. چه این شما ها، امپریالیستهای ایالات متحده هستید که سعی میکنید خلقهای سراسر دنیا را مقابل لوله -

بقیه در صفحه ۱۲

## "تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان"

# شرایط کنونی و مواضع ما

"تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان" یکی از تشکل های مبارز نیست که در جنگ مقاومت کردستان به سهم خود شرکت فعال داشت و دوشا دوش خلق دلاور کرد و پیشمرگه های قهرمان آن، مسلحانه در برابر تجاوز و زخده انقلابی ارتش و پاسداران مبارزه نمود و اینک نیز در سه شهر سنج، بوکان و مهاباد، دفاع خود را گشوده و در این مرحله از شرایط حساس کردستان مبارزه را به اشکال گوناگون به پیش میبرد. تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان "اخیسراطی نشستی مواضع و سیاست خود را بررسی و با آنها برخوردی انتقادی نمود، آنچه در زیر میخوانید، اعلامیه این تشکیلات، زیر عنوان "شرایط کنونی و مواضع ما" می باشد (حقیقت)

\*\*\*

"تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان" با توجه به تحولات اخیر در اوضاع کردستان و در سراسر کشور مسأله مذاکرات صلح پویان دادن به جنگ ناسواخته در کردستان از یک سو و برخاست یک موج ضد امپریالیستی در سراسر کشور و اوج گیری نبرد مردم ایران با امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر، لازم دیدگی یک نشست فوق العاده مواضع و سیاست خود را دقیق و روشن گرداند. در این نشست کاملاً روشن گردید که تشکیلات ما در یک رشته ارزیابی ها

بقیه در صفحه ۱۱